



پاسخ برکزیده

جزء ہفتم: آئین حج و عمرہ و زیارت (احکام و آداب و ادکار)

برگرفته از آثار: منہج العبودیہ، جامع المسائل، صلاة جامعة، المسائل المکیہ، المسائل المدنیہ، المسائل الغرویہ، المسائل الحائرۃ، المسائل الخراسانیہ، المسائل الیمانیہ، المسائل القمیّہ، المسائل الإصفہانیہ، المسائل الشیرازیہ، المسائل الہمدانیہ، المسائل الرازیہ، المسائل الشامیہ، المسائل المصریہ، المسائل المشرقیہ، المسائل المغربیہ، المسائل الأندلسیہ، المسائل الرومیہ، المسائل الہندیہ، المسائل القفقازیہ، المسائل البحرینیّہ.

طرح و برنامه ریزی پڑوشی و مدیریت و اشرف علمی: داسر المعارف الإلهیّہ

ارازہ و نشر: پڑوشکدہ علوم فقہ آئین الہی بنیاد حیات اعلی

تحقیق ۱۴۰۵ نش اول ۱۴۱۵ نش دوم ۱۴۲۵ نش سوم ۱۴۳۵

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إنه خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلي وآله الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبد الآبدين

مجموعه فقه آئين الهی در سه نوع نسخه تألیف و تدوین شده است:

۱- نسخه مختصر؛ بنام (پاسخ برگزیده) که صرفاً حاوی جوابیه هاست، ۲- نسخه مفصل؛ بنام (جامع المسائل) که بجز جوابیه ها؛ حاوی ابواب مفصله مسائل فقهیه است، ۳- نسخه مشروح؛ بنام (منهج العبودية) که بجز جوابیه ها و مسائل مفصله؛ همچنین حاوی مستندات احکام شرعیه؛ از کلام وحی و کلام خازنان وحی علیهم السلام؛ و شرح استدلالات فقهیه و اصولیه آنهاست. و هر يك از این نسخه ها و کتابها حاوی اجزاء دهگانه ای به شرح زیر است:

جزء اوّل: کتاب آئین معرفت

جزء دوّم: کتاب آئین پاکی و پاکیزگی و آراستگی (طهارت)

جزء سوّم: کتاب آئین نماز و نیایش (عبادت)

جزء چهارم: کتاب آئین التزام به طاعت (حق)

جزء پنجم: کتاب آئین خانواده و اُسرت

جزء ششم: کتاب آئین کار و معیشت

جزء هفتم: کتاب آئین حجّ و عمره و زیارت

جزء هشتم: کتاب آئین خدمت (لوجه الله) و مواسات (با اهل حق)

جزء نهم: کتاب آئین احسان به امت و هدایت بشریت

جزء دهم: کتاب آئین بانرگشت (به حق)



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إنه خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبد الآبدين

قال الله تعالى في القرآن الكريم: وَاتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ

آئین حج و زیارت

أحكام و آداب و أذکار: توجہ، زیارت، عمرہ، حج

برگرفته از آثار: منهج العبودية، جامع المسائل، صلاة جامعة، المسائل المكية، المسائل المدنية، المسائل الغروية، المسائل الحائرة، المسائل الخراسانية، المسائل اليمانية، المسائل القميّة، المسائل الإصفهانية، المسائل الشيرازية، المسائل الهمدانية، المسائل الرازية، المسائل الشامية، المسائل المصرية، المسائل المشرقية، المسائل المغربية، المسائل الأندلسية، المسائل الرومية، المسائل الهندية، المسائل القفقازية، المسائل البحرينية.

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی: داور المعارف الإلهية

ارائه و نشر: پژوهشگر علوم فقه آئین الهی بنیاد حیات اعلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک دیدار حق

مشمول بر

شرح برنامه ها و احکام و اعمال و آداب

حرم الله و مشاهد منوره انبياء و اوصیای الهی علیهم السلام

و مساجد معظمه و مزارات اولیاء و بقاع اصحاب معرفت و ایمان

جلد اول: کتاب توجه الی الله بوجه الله

جلد دوم: کتاب زیارت وجه الله

جلد سوم: کتاب عمره و حجّیت الله

جلد اوّل

کتاب

مناسک دیدار حق

در

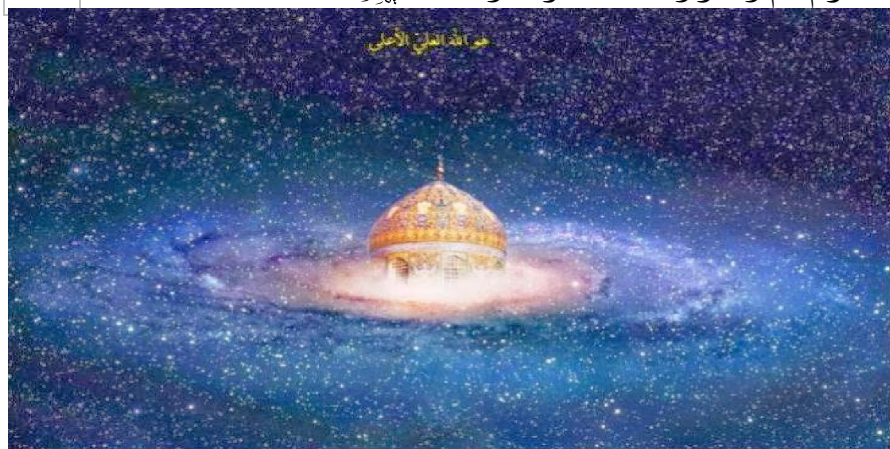
توجہ بہ ری جہ اللہ

نمایه مطالب کتاب آئین حج و زیارت جزء هفتم از کتاب پاسخ برگزیده

جلد اول کتاب مناسک دیدار حق تعالی: توجّه به وجه الله

۲	معرفی مجموعه فقه آئین الهی و انواع نسخ و اجزای آن
۴	مناسک دیدار حق (در: توجّه الی الله، زیارت وجه الله، عمره و حج بیت الله)
۶	نمایه مطالب مناسک دیدار حق؛ کتاب آئین توجّه به وجه الله
۸	سرآغاز کتاب پاسخ برگزیده
۸	مرجع آگاهی و معرفت دینی
۱۱	سرآغاز کتاب: مناسک دیدار حق در توجّه به وجه الله
۱۲	شکرانه کتاب توجّه به وجه الله
۱۳	معرفت: دیدار حق در توجّه به وجه الله
۱۳	معرفت وجه و وجهه
۱۴	مراتب وجه و وجهه
۱۷	وجه الله (عزوجلّ)
۱۸	حضرات مقدسه حقیقت وجه الله (عزوجلّ)
۲۱	نیاز کلّ جهان هستی به: توجّه به وجه الله
۲۲	معنی و ارکان توجّه
۲۳	کیفیت و مراتب توجّه
۲۴	کمال توجّه و توجّه تام

۴۵	طهارت (پاکی و پاکیزگی) برای انجام مناسک دیدار حق
۴۶	آئین توجه
۴۷	آئین توجه در نماز (کلمه توجه)
۴۴	آئین توجه در غیر نماز (کلام توجه)
۴۵	اشاره ای در معرفت ناحیه مقدسه
۴۶	توصیه سفیر ناحیه مقدسه به شیفتگان دیدار حضرت حجت علیه السلام
۴۷	راویان کلام توجه (زیارت آل یاسین)
۵۰	نسخه های توقیع و روش تحقیق
۵۴	متن توقیع شریف صادر شده از ناحیه مقدسه
۵۵	آداب توجّه
۵۶	متن کلام توجه یا زیارت آل یاسین کامله
۶۵	ترجمه کلام توجّه یا زیارت آل یاسین کامله
۷۶	احکام کلام توجه
۷۷	احترام نام و ذکر و نشان حضرات وجه الله علیهم السلام



سرآغاز کتاب پاسخ برگزیده

سؤال: آیا ابتداء و شروع به بسم الله در هر کاری، واجب است شرعاً؟

جواب: از جانب مولی (منه السلام) در انجام آن تأکید بسیار گردیده است، و همین کافی است در لزوم تأدب و التزام به آن، و نباید اختیاراً ترك شده؛ و اجتناب از آن هم جایز نیست، ولی در صورت نسیان یا غفلت؛ ترك آن موجب معصیت نیست. [شماره ثبت: (۱۳۹) منبع: المسائل الفقهية]

سؤال: مرجع آگاهی و معرفت دینی؛ و کسی که انسان احکام مولی (منه السلام) را از او می گیرد؛ باید دارای چه شرایطی باشد؟ از چه راههایی می توان واجد شرائط را شناخت؟

جواب:

(۱) - ما همه بندگان حضرت پروردگاریم (جَلَّتْ عَظَمَتُهُ)، و لازمه عبودیت الله؛ تسلیم اراده الله بودن؛ و اطاعت از حکم الله است، و تطبیق این بندگی؛ به ساحت قدسیه وجه الله (منه السلام) و درگاه مقدسه ولایت کبری (الیه التسليم) با تبعیت از حضرت قائم بأمر الله ﷺ می باشد، فلذا همگی ما؛ بندگان مولا صاحب الأمریم، و جز دل سپردن و پیروی و بذل هستی خویش در جهت خواسته حضرتش وظیفه ای نداریم، و با انجام این امور (که بر همه عباد الله فریضه و لازم است)؛ بندگی خداوند (عَزَّوَجَلَّ) و صدق عبودیت حق؛ تحقق می یابد.

(۲) - تحقق بندگی مولا (منه السلام)؛ مرهون: معرفت به مولا ﷺ و شناخت آئین بندگی نسبت به اوست.

(۳)- نتیجه معرفت و عبودیت؛ روشنی و پاکی و سلامتی و کمال جمیع جهات وجودی انسان از تن و روان و جان؛ و رسیدن به زندگی برتر و حیات اعلی است، از این رو؛ دایره وسعت معرفت به شعاع حقیقت اعلی؛ و گستره محیط عبودیت؛ به اندازه ظرفیت وجودی عالم صغیر (انسان)؛ و ابعاد عالم کبیر (هستی) می باشد.

(۴)- بنده راستین مولا؛ بایستی که تمامی معارف الهیه (و از جمله روش بندگی را) از مولا علیه السلام اخذ نماید. که در کلام وحی نازل شده؛ و در کلام خازنان وحی علیهم السلام تبیین گردیده است.

(۵)- أما واسطه دریافت و معرفت به آن معارف الهی؛ باید که:

۱- مؤمن قطعی؛ و مبرای از تقصیر در معرفت باشد.

۲- و تسلیم مطلق حضرت ایشان بوده، و از انفعال از غیر مولا علیه السلام بری باشد.

۳- و اعتقاد و التزام او به مولا علیه السلام؛ مشروط به همراهی خلیق؛ یا توافق با سلیقه شخصی خودش نباشد.

۴- و بخاطر تعبد به امر یا روش مولا علیه السلام؛ از اعراض و انکار و ملامت خلیق (ولو عموم مؤمنین) نهرا سیده، و در التزام به عبودیت حق؛ سستی یا تغییری عارضش نشود.

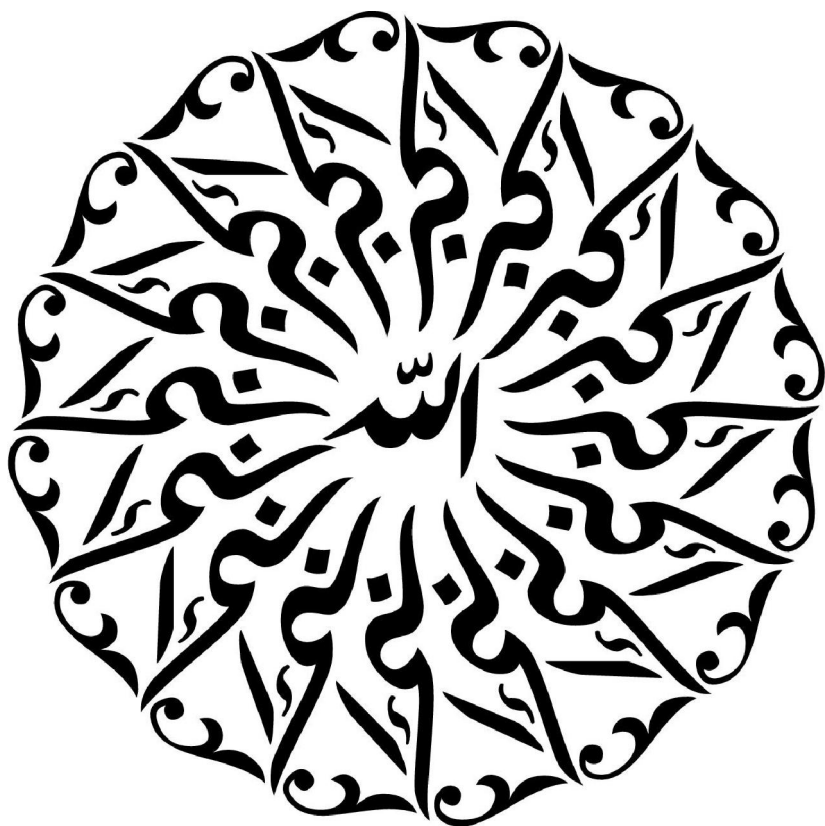
۵- دانای به کلام وحی و بیان آن از کلام خازنان وحی علیهم السلام بوده؛ و روش علمی او مبتنی بر درایت و فقا هت و تتبع مجموعه کلام مقدس بوده، و ضمن اعمال شروط سابقه در منهج فقهی؛ از شوب مسالك علمیه غیر ملتزمه به شروط مذکوره، پیراسته باشد.

۶- و در رساندن و بیان منهج مولا علیه السلام امین باشد.

۷- و نیز تمام همّ و همتش مولا عاشق باشد، و نه تنها دنبال هوا و خواسته و منفعت خود و خلق نبوده؛ بلکه متفرّد در امر مولا عاشق و مسیر او باشد.

(۶)- این شناخت به صلاحیت (واسطه دریافت و معرفت آن معارف الهی)؛ یا مستقیماً بدست می آید؛ یا به واسطه شخص معتقد به منهج صحیح؛ و آگاه و امین میسر می گردد.

(۷)- و در احراز شرایط (واسطه دریافت و معرفت آن معارف الهی) و صلاحیت او؛ باید که در مجموع اطمینان پیدا کند. [شماره ثبت: (۵۳۶) و (۱۰۳۶) منبع: المسائل الخراسانية]



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرُ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ أَهْلِهَا الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَىٰ أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

کمال و بقاء تنها الله تعالى را سزد، و هر مخلوق گرفتار نقص و فناست؛ مگر که رو بسوي حق نموده و به وصال او برسد، خداوند آدم و انبياء و اوصياء الهي (از ذريه او) را به عنوان نمايانگر (وجه الله) و نشانگر (قبله باطن) و جانشين (خليفة الله) خود قرار داده، و همه کائنات را به سجده طاعت و فرمانبرداري و توجه به ايشان فراخوانده، و دیدار ايشان و مشاهدشان را از روی معرفت و تسليم؛ به منزله دیدار حق تعالى شمرده است، همچنانکه گوهر سپید (کعبه) را از آسمان به عنوان نشانه خود به زمین فرو فرستاد، و پس از بازگشت آن به آسمان؛ حضرت آدم را با راهنمائي جبرئيل به ساختن جایگاه آن؛ به عنوان "بیت الله" مأمور فرمود، و حضرت ابراهيم را با کمک اسماعيل به نوسازي آن گمارده، تا با ندای جهانی؛ همه بشر را براي توجه بسوي آن و زیارت و طواف و انجام مناسک آن؛ فراخواند، و با این مقدمات به لقاء وجه الله رسیده؛ و بتوانند در نهایت به دیدار حق تعالى نائل شوند، و کعبه را "قبله ظاهري" در همه کارهاي خدائي قرار داد؛ آنچنان که وجه الله را "قبله باطني" مقرر فرمود. شرح تعريف توجه در نماز و غیر نماز؛ و نیز آداب و اعمال زیارت مشاهد الهیه؛ و مناسک عمره و حج بیت الله (که هر يك نوعی دیدار حق بوده) موضوع این کتاب است، که در سه مجلد ارائه مي گردد: جلد اوّل درباره "توجه"، جلد دوّم درباره "زیارت وجه الله"، و جلد سوّم درباره "عمره و حج بیت الله" مي باشد، و مشتمل بر معرفت و آداب و اعمال و مناسک و معرفي "معالم و نشانه هاي الهي" است.

شُکرانه کتاب توجّه به وجه الله

بدرستی که سترگترین منت های خداوند علیّ اعلیٰ؛ همانا نیل به پناهیابی در حضرت قدسیه رضویه (که بر شرافت دهنده آن درود باد)، و شرفیابی به مجاورتش بوده (با آنچه از گنج های ربانی و حقایق ولایی و معارف الهی دارد)، که سبب آشنایی با کتب نفیسه و آثار شریفه ای گردید همچون: کتاب منهج العبودیة (آئین بندگی)، در بیان احکام و آداب آئین الهی، و نیز کتاب منهج النُوجّه، که رشحه ای است از جوشش دریاهای اسرار حضرات مقدسه علیهم السلام بر مولا و سرور جلیل؛ جناب عبدالله علوی فاطمی (که خداوند سرّ قدوسی او را مقدّس بدارد)، پس گزیده ای را از برخی ابواب این کتاب اقتباس نموده، تا این رساله را تدوین؛ و خوانندگان آن را تحفه ای آورده باشم، که با معرفت آن؛ توجّه به حق تعالی را به نحو تمام و کمال؛ نایل شوند. بابهایی که از این اثر شریف برگزیده شده چنین است:

معرفت وجه و وجهه * مراتب وجه و وجهه * وجه الله *

حضرات مقدسه علیهم السلام حقیقت وجه الله * نیاز جهان هسنی به توجّه به وجه الله * معنی و ارکان توجّه * کیفیت و مراتب توجّه *

کمال توجّه و توجّه تام * آئین توجّه .

معرفت وجه و وجهه

همانا الله (تبارك وتعالى) أشیاء را خلق نمود؛ و برای هر چیز قرار داد يك **وَجْه** (رُؤ = رُخ) و يك **وَجْهَة** ای (روی آور = آنچه که روی؛ بطرف آن باید باشد).

وجه: یعنی آنچه که از هر شیء مشاهده، و بدو شناخته گردیده، و با آن روبرو می شوند، و آنچه که او را به وجهه اش روبرو می نماید.

وجهه: یعنی همان هدفي که هر شیئی برای آن خلق شده و بر توجّه بدان مأمور است، چه اینکه خدای تعالی تمام کائنات را متوجّه به غایات و اهدافشان آفریده، و برای هر يك شوقي تکوینی و ارادی بسوي کمالشان قرار داده، و نیز نیروی غریزی برای طلب آن کمال، که آن همان غایت و سرانجامی است که برای آن خلق شده، و همان وجهه ای است که بسوي آن توجّه می کند، و برای هر غایتی غایت دیگری است بالاتر از آن؛ تا اینکه منتهی شود در غایت الغایات و سرانجام سرانجامها؛ و مقصود جمیع مقاصد، و منتهای همه اشتیاقها، و نهایت جمیع اهداف، و مرجع همه آرمانها؛ که آن: الله (عَزَّ شَأْنُهُ)؛ همان وجهه اعلای کل هستی است، خدای تعالی فرموده: ﴿وَلِكُلِّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّیْهَا﴾ یعنی برای هر شیئی وجهه ای قرار داده است؛ که بوسیله آن به مقصود و غایت و هدفش توجّه می نماید، و این (وجهه) همان چیزی است که موجب بقاء او می شود.^۱ و چون همه اشیاء آفریده شده اند برای: تقرّب به خدای تعالی؛ بوسیله توجّه بسوي او، پس همگی در راه او سیر می کنند، و همه مسافر بسوي اویند، و به جانب او متوجّهند.

(۱) قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۴۸.

مراتب وجه و وجهه

❧ دانسته شد؛ که برای هر چیز جهات و اهدافی است، که بدین لحاظ؛ برای آن شیئی نیز ابعاد و اطوار و وجه هایی است، و چون انسان نماد (جامع) هستی و اشرف موجودات است؛ سخن را در باب وی پی می گیریم.

❧ همانا برای آدمی ابعادی فراوان؛ از ظاهری و باطنی، قلبی و قلبی است؛ مانند طبع و نفس و عقل و قلب و سر و ...، پس برای وجه او نیز (به ملاحظه این ابعاد) مراتبی است:

(۱) پایین ترین مرتبه "وجه" در انسان (به لحاظ کالبد او) همانست که به "رُؤ" و "رُح" شناخته می شود، و آن نشانه زیبایی ظاهر، و نشان تشخیص او از دیگر اقران اوست.

و به همین مناسبت: آن مرتبه از "وجهه" که خدای تعالی برای این مرتبه از "وجه" قرار داده، برای اهل زمین؛ همان مظهر وجه الله در بُعد قالب و مکان؛ یعنی کعبه مشرفه است، {که بیت الله الحرام و زادگاه حضرت مولا علی بن ابی طالب (منه السلام) بوده، و در قیام کبری و قیامت صغری؛ آشکارگاه (محل ظهور) وجه الله اَتَمَّ و بقیة الله اعظم؛ حضرت مولا صاحب الامر (إلیه التسلیم)؛ خواهد بود، آن جایگاهی که خدای تعالی در باب آن خطاب به پیامبرش ﷺ فرموده: ﴿فَلَنُؤَيِّنَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا، فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ﴾، (ترجمه) پس قرار دهیم برای تو قبله ای که آن را بپسندی،

پس رویت را به سوی مسجد الحرام قرار ده؛ و هر جا که باشید پس رویتان را به سوی قرار دهید، و برای ملائکه و سمواتیان (جهت توجه کالبد ملکوتیشان) بیت المعمور را برپاداشته، و تمثال حضرت مولا علی (منه السلام) مزار فرشتگان آسمان است، و این قبله همانست که به "قبله ظاهره" معروف، و مرتبه ای از مراتب "وجه الله تعالی" است.

(۲) جهت دیگر در انسان همان: قوای طبیعی و احوال و اعمالی که از آن برانگیخته و از او سرزند؛ می باشد، پس "وجه" انسان در این بُعد و مرتبه همان "نفس" اوست.

و به مناسبت این مرتبه: آن "وجه" ای را که خدای تعالی برای این رتبه قرار داده همان: دین قیّم و شرع حنیف (به تعبیر قرآن) می باشد، که این خود مرتبه دیگری است از مراتب وجه الله،^۳ و به همین سبب است که گاهی از این مرتبه (دین قیّم و شرع حنیف) تعبیر به وجه الله نیز شده است.^۴

(۳) اما انسان در اطوار و ابعاد عالیّه اش مانند: عقل، قلب، روح، سرّ، و بالاتر از آن، پس هر یک از این مراتب؛ وجه او در آن رتبه بوده، و وجهه او در این مراتب؛ ذات وجه الله است، و با مواجهه کامله تمام وجه بسوی وجهه اعلی؛ توجّه تام بدست می آید، و این (توجّه تامّ) با تسلیم تمام وجه به حق تعالی،^۵ و فنای آن در وجهه الله (جلّ شأنه)، محقق است.

(۳) قرآن کریم سوره روم آیه ۳۰ و ۴۳، و سوره یونس آیه ۱۰۵.

(۴) قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۷۲، و سوره رعد آیه ۲۲.

(۵) قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۱۲.

و هر که را خدای تعالی بدین امر موفق بگرداند؛ پس هر آینه به مرتبه
 اَسْمَاء و حقایق اسمیه رسیده، بلکه خود اسمی برای حق تعالی می گردد، و اوست
 همان مستمسک به عروه الوثقی، و اوست متدین به دین أحسن: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ
 دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾.^۶

أَنْ وَحْدَهُ

الَّذِي يَتَوَحَّجُ إِلَيْهِ الْأَوْلِيَاءُ

(۶) قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۱۲ و سوره نساء آیه ۱۲۵.

وجه الله

❧ بر کسی پوشیده نیست که: ذات حق تعالی، أَجَلّ وأَعزّ است از اینکه خلایق (با همه کثرت و محدودیتشان) بتوانند با آن (وجود وحدت نشان؛ و قدرت بی انتها و برتر بیکران) مواجهه ای داشته باشند، پس در هنگام توجّه؛ مخلوقات را مواجهه ای نیست مگر بسوی وجه الله.

❧ و چون معنای وجه؛ آنچه که از هر چیز مشاهده و شناخته و روبرو می گردد؛ بود، پس وجه الله همانی است که خدای تعالی بدان شناخته و پرستیده، و مشاهده و مواجهه و روبرو می گردد، و اوست همان گوهر قدسی، و اوست همان صاحب ولایت کبری.

❧ و از آنجا که نظر حق تعالی به خلایق؛ به او و از اوست، و خلایق هم به او و از او؛ توجّه به حق تعالی پیدا می کنند، ازین روست که خدای عزّوجلّ او را "وجه" خود نامیده است.^۷



(۷) قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۱۲ و ۱۱۵ و ۲۷۲، و سوره نساء آیه ۱۲۵، و سوره قصص آیه ۸۸، و سوره روم آیه ۳۸ و ۳۹، و سوره لقمان آیه ۲۲، و سوره رحمان آیه ۲۷، و سوره انسان آیه ۹، و سوره لیل آیه ۲۰.

حضرات مقدسه ﷺ حقیقت وجهه الله (عزوجل)

❧ بي شك "مرتبه اعلی" داراي باشد آنچه را که (از خواص و آثار و ارزشها و کمالات) برای پایین تر از اوست، به اضافه برتریهای ویژه ای که مرتبه اعلی خود دارد.

❧ و در کلام خازنان وحی ﷺ بسیار وارد شده است که: در حقیقت؛ این حضرات مقدسه ﷺ هستند که وجهه الله اند، و ایشانند که دارای تمام مراتب وجهه الله هستند، بلکه آنهاين همان وجهه اعلای برای کل هستی، و همانا ایشانند حقیقت وجهه الله، و آنهاين همان تجلی ظاهر حقتعالی در تمام مراتب وجهه او، بلکه همانا آن مراتب؛ مرتبه ای از ظهور حقیقت ایشان بوده، و وجه بودن برای آن مراتب به برکت ایشان استوار شده، و بخاطر ایشان؛ شرافت و احترام و احکام و آداب وجهه الله نسبت به آن مراتب لازم گردیده است.

❧ و چون آن مراتب جلوه گاه حقیقت ایشان بوده؛ لذا توجه به آن مراتب واجب شده است، پس به نحو اولی ناگزیریم همان آثار و احکامی را که برای آن مراتب لازم دانستیم؛ نسبت به ایشان بپذیریم.

سؤال: اگر امکان دارد اشاره ای در زمینه معرفت وجهه الله بنمایید.

جواب: حضرات معصومین ﷺ خازنان وحی هستند، و ایشانند که رازدار و گنجان وحی و کلام الهی می باشند، از کلام ایشان استفاده می شود که؛ وجهه الله خود حضرات مقدسه هستند.

از جمله این فرمایشات؛ احادیث بسیاری است که در تفسیر آیه شریفه ﴿وَبَقِيَ

وجه ربك﴾ و آیه مبارکه ﴿كل شيء هالك الا وجهه﴾ وارد شده،^۸ و براین معنی تصریح دارد.^۹ و نیز در احادیث شریفه دیگری مکرراً وارد شده که حضرات معصومین علیهم السلام فرموده اند: {نحن وجه الله عزَّ وَّ جَلَّ}، و {نحن الوجه الذي يؤتى الله منه}،^{۱۰} و {نحن وجه الله نزول بين أظهركم}،^{۱۱} و {نحن وجه الله نتقلب في الأرض بين أظهركم}،^{۱۲} و {نحن وجه الله الذي لا يهلك}،^{۱۳} و {نحن والله وجهه الذي قال، ولن نهلك الى يوم القيامة؛ بما أمر الله به من طاعتنا و موالاتنا}، فذلك و الله الوجه الذي هو

(۸) قرآن کریم - سوره الرحمن آیه ۲۹ و سوره القصص آیه ۸۸

(۹) بحار الأنوار، ج ۲۴ ص ۱۹۲ ح ۶ و ۷ و ص ۱۹۳ ح ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ص ۱۹۶ ح ۲۱ و ۲۲

و ص ۱۹۷ ح ۲۳ و ص ۲۰۰ ح ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ص ۲۰۱ ح ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵

(۱۰) بحار الأنوار - ج ۲۴ ص ۱۹۲ ح ۶ و ص ۱۹۳ ح ۱۲ / كنز الفوائد - ص ۲۱۹ / مناقب

آل أبي طالب لأبن شهر آشوب - ج ۳ ص ۶۳

(۱۱) بحار الأنوار - ج ۲۴ ص ۱۹۲ ح ۷ و ص ۱۹۳ ح ۱۱ و ص ۱۹۶ ح ۲۱ ص ۱۹۷ ح ۲۳

و ح ۲۴ و ص ۲۰۰ ح ۲۹ و ح ۳۱ / مناقب آل أبي طالب لأبن شهر آشوب - ج ۳ ص ۳۴۳ /

تفسير القمي - ج ۲ ص ۴۹۴ / اكمال الدين - ص ۱۳۴ / التوحيد للصدوق - ص ۱۴۰ /

بصائر الدرجات - ص ۲۰ / معاني الأخبار - ص ۹

(۱۲) بحار الأنوار - ج ۲۴ ص ۱۱۵ ح ۲ / تفسير فرات الكوفي - ص ۸۱

(۱۳) بحار الأنوار - ج ۲۴ ص ۱۱۶ ح ۳ / التوحيد صدوق - ص ۱۴۰ / بصائر الدرجات -

ص ۲۰ / تفسير العياشي - ج ۲ ص ۲۴۹

(۱۴) بحار الأنوار - ج ۲۴ ص ۱۱۶ ح ۳ و ۴ و ۵ / التوحيد للصدوق - ص ۱۴۰ / بصائر

الدرجات - ص ۲۰ / تفسير العياشي - ج ۲ ص ۲۴۹

(۱۵) بحار الأنوار - ج ۲۴ ص ۲۰۱ ح ۳۳ / التوحيد للصدوق - ص ۱۴۰

قال: ﴿كل شيء هالك إلا وجهه﴾^{١٦} و باز در حدیث حضرت امام رضا علیه السلام آمده است: {ولكن وجه الله، أنبيائه و رسله، و حججه صلوات الله عليهم، هم الذين بهم يتوجه الى الله عز و جل}.^{١٧}

و همچنین در دعای شریف ندبه (از توقیعات ناحیه مقدسه) آمده است که: خطاب به حضرت صاحب الأمر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بگوییم: {أين وجه الله الذي اليه يتوجه الاولياء}.^{١٨} [شماره ثبت: (١٣٠٣) منبع: رساله صلاة جامعة]



(١٦) بحار الأنوار، ج ٢٤ ص ١٩٣ ح ١١ و ص ٢٠٠ ح ٣٠ / كنز الفوائد، ص ٢٧٢ / بصائر الدرجات، ص ٢٠.

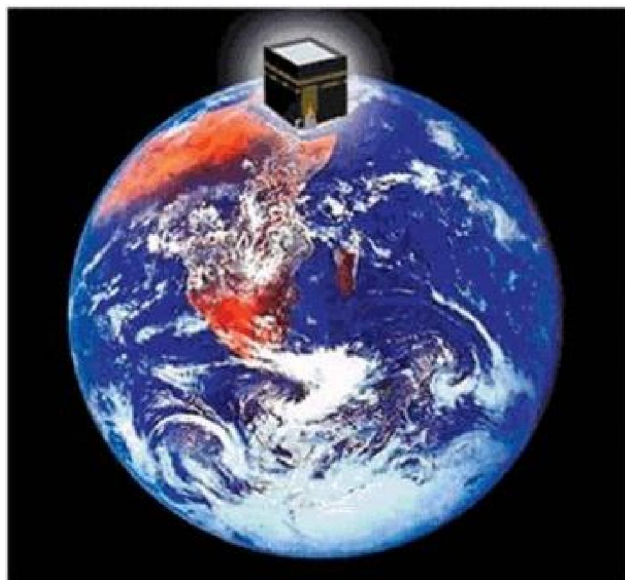
(١٧) بحار الأنوار، ج ٤ ص ٣ ح ٤ و ص ٣١ ح ٦ و ج ٢٤ ص ٢٠١ ح ٣٥ / عيون أخبار الرضا علیه السلام / التوحيد للصدوق - ص ١١٧ ح ٢١ / أمالي الصدوق.

(١٨) بحار الأنوار - ج ٩٩ ص ١٠٧ / مفاتيح الجنان - ص ٥٣٤

نیاز جهان، هستی به: توجّه به وجه الله

خلاق؛ همگی به قید حدوث و امکان مقیدند، و به همین سبب؛ به تغییر و زوال و فناء محکومند، اما وجه الله از امر الله بوده، بلکه همان امر الله است، پس ارتباطی ندارد مگر با ذات اقدس الهی؛ نه چیز دیگری، پس اوست همیشه ماندگار فنا ناپذیر، چرا که در هنگام نابودی خلاق؛ اوست همان (وجه الله) که نابود نشود، بلکه همه را فانی کند و خود هلاک نگردهد.^{۱۹}

و چون با توجّه به "وجهه اعلی" می توان از خصایص و آثار حضرت اعلی (وجه الله) بهره مند شد؛ ازین روست که همه هستی در همه مراتب (برای بقاء و کمال خود) به توجّه به وجه الله نیاز (تکوینی و ارادی) دارند.



(۱۹) قرآن کریم سوره قصص آیه ۸۸، و سوره رحمان آیه ۲۷.

معنی و ارکان توجّه

"توجّه" یعنی با وجه خویش (در هر مرتبه) به وجهه الهی آن (مرتبه) رو نمودن. و از آنچه یاد شد؛ بخوبی پیداست که تحقق توجّه در گرو سه امر است: وجّهه، و وجّه، و مُواجهه (رو نمودن) وجه با وجهه.



کیفیت و مراتب توجّه

با ملاحظه نیاز همه هستی (برای بقاء و کمال) به "توجّه به وجه الله"، و وضوح معنی "وجه الله"، کیفیت توجّه در مراتب مختلف چنین است که:

(۱) مواجهه و توجّه بوسیله وجه ظاهری (کالبد و بدن):

تحقق این امر؛ با استقبال و رونمودن به قبله ظاهره (کعبه برای اهل زمین و بیت المعمور برای اهل آسمان) است، و به شرط تناسب مقام و موضع عمل با احترام قبله؛ این امر در همه احوال و امکانه و ازمنه پسندیده است.

(۲) مواجهه و توجّه بوسیله وجه نفس؛ در اعمال و احوال و عقاید:

و تحقق آن؛ با التزام به دین قیّم و شرع حنیف و حقیقت آنها (که همان مقام ولایت کبری است) می باشد، و این امر؛ با برگرفتن دانستیهای دینی از صاحب این مقام، و مطابقت با او در روش و مرام، و خالص نمودن اراده از غیر او؛ در همه اعمال و احوال و عقاید، و خلوص تسلیم خود برای حضرت صاحب الأمر والعصر والزّمان (منه السّلام و إلیه التّسلیم)؛ محقق است.

و مخفی نماند که لزوم پایبندی بدین قسم از توجّه؛ در حق همه بندگان (بدون استثناء) همواره پایدار است.

(۳) مواجهه و توجّه تامّ و شامل (پس از مواجهه با وجه ظاهر و وجه نفس): و تحقق این؛ با توجّه مراتب عالیّه "وجه" در باطن (از عقل و قلب و روح و سرّ و بالاتر از آن) بسوی وجهه اعلی و وجه الله اُسنی است، مواجهه ای تامّ و دایم. که تنها با بیخودی و نفی انیّت از خود؛ و فانی شدن در حضرت وجه الله؛ و اندکاک و محو تام در اراده او؛ ممکن است.

کمال توجه و توجه تام

❖ از آنجا که توجه مراتبی داشت که هر قدر بیشتر و بهتر رعایت گردد؛ توجه نیز بیشتر و عمیقتر محقق شود، تا برسد به مرتبه تمامیت و کمال توجه که: هر چیز با تمام وجه خود به وجه الله، مواجهه و رو نماید (مواجهه تامه).

❖ کمال توجه؛ به مراتب وجه و وجهه؛ و به قدر تمامیت مواجهه (رو نمودن) بستگی دارد، و از آنجا که برای هر يك از این دو؛ مراتب و مراحل مختلفی است، پس بنده حق هرچه از انانیت خویش بیشتر بیرون آمده و فراتر رود؛ بهره بیشتری می برد، تا آنجا که موفق به مواجهه با تمام وجه خود به سوي وجهه اعلی، و تفرد و خلوص او در آن بشود، بلکه با اندك و فناي در حضرت وجه الله، و ظهور و تجلی وجه الله از وي، و مظهر و مثل و نماد او گشتن است که "اعلی مرتبه توجه" برای او محقق می گردد.



طهارت برای: انجام مناسك دیدار حق

توضیح و ارجاع

❖ پس از معرفت اجمالی به مناسك دیدار حق و حقیقت و آداب و احکام توجه، اولین امری که مقدمه باید تحصیل گردد؛ **پاکیزگی و پاکی لازم** برای آنست. **لله** این مبحث ابواب مفصله و متعددی دارد، که از جمله رؤوس ابواب آنهاست:

شناخت آلودگیها،

شناخت شرایط پاکیزگی و پاکی،

شناخت پاکیزه و پاک کننده ها،

شناخت پاکی ویژه مناسك دیدار حق (وضو، غسل و تیمم)،

لله هر يك از این عناوین نیز دارای مباحث گوناگون و فروع و مسائل مستقله و مفصله ای است، که به دلیل تفصیل آنها؛ در جزء مستقلی مطرح می شود. **لله** ما این مباحث و مسائل را در جزء دوم کتابهای: پاسخ برگزیده؛ و جامع المسائل؛ و منهج العبودية؛ به نام: **کتاب آئین پاکی و پاکیزگی و آراستگی (طهارت)** آورده ایم. کلیات این موضوع و آنچه تحصیلش قبل از شروع در مناسك دیدار حق (در توجه، زیارت، عمره، و حج) لازم بوده؛ در کتاب زیر آمده است:

کتاب آئین پاکی و پاکیزگی و آراستگی (طهارت)

و آنچه به حین انجام مناسك مربوط بوده در فصلهای بعدی این کتاب می آید.

آئین توجه

❖ افزون بر آنچه قبلا در زمینه "نحوه تحقق ابعاد توجه" از اعمال و احوال مربوطه بیان شد؛ همچنین در کلام خازنان وحی ﷺ آئینی برای "توجه" معرفی و توصیه شده است، که اشتغال و مداومت بر خصوص این آئین نیز بر مؤمن عارف؛ لازم است.

❖ آئین توجه بر دو نحو است:

یکی: آنچه بطور روزانه در نماز بجای آورده می شود؛ با (کلمه توجه).

دیگری: آنچه در هر فرصت و موقعیت مناسب (از جمله برنامه هفتگی و نیز در ایام الله مهدویه ﷺ) از آن بهره مند می شوند؛ با (کلام توجه).

تفصیل این دو نحو چنین است:



آئین توجّه در نماز

أول: کلمه توجّه: و آن نحوه توجّه در نمازهاي واجب و مستحب است، از آنجا که نماز مهمترین بندگی برای بنده حق؛ و بالاترین عبادت برای عبد خداوند است، بلکه برای مؤمن به منزله معراج روحاني؛ و عروج آسماني؛ و باریابی به حضرت قدسي پروردگار است، لذا آئین توجّه را استفتاح و گشاینده آن مقرر فرموده اند، برای التفات به اهمیت آن؛ و اطلاع از تفصیل روش آن باید به مجامع کلام خازنان وحي ﷺ و احادیث شریفه حضرات معصومین ﷺ و کتب فقهی مذهب اهل بیت ﷺ مراجعه نماییم، در اینجا بطور اختصار به آن اشاره می کنیم، و پاسخ سؤالاتی در این زمینه را نقل می کنیم:

سؤال: مکرراً از علما و خطبا شنیده و در کتابهایشان دیده ایم که بنابر کلمات معصومین ﷺ؛ حضرت مولا علي ﷺ باطن نماز هستند، ولی در معنای این مطلب توضیحی گویا و رسا ندیده ایم، آیا ممکن است جناب عالی درباره اینکه حضرت مولا علي ﷺ باطن نماز هستند توضیحی بفرمایید؟ از این حقیقت بزرگ و ارزشمند؛ چه بهره عملی در نماز یا دیگر اعمالمان می توانیم داشته باشیم؟ و به بیان دیگر: چطور می توانیم آنرا پیاده کنیم و به آن برسیم (ان شاء الله)؟

جواب: این حقیقت امر عظیمی است که فراتر از مقوله پرسش و پاسخ بوده؛ بلکه زبان گفتار در آن أَلکن است، و مهمتر از آن؛ تفصیل در بیان بعض حقایق؛ منافی با فریضه کتمان اسرار؛ برای منع مقصرین و اشرار؛ از سوء فهم و تحریف در تعبیر و گفتار است، ولی به نحو اجمال؛ و با رعایت شرایط مقال؛ اشاره ای می شود:

﴿﴾ معنای عمومی آن این است:

- ۱- نماز مهمترین فریضه عبادی ظاهری است؛ و چون حضرت مولا عَلَيْهِ السَّلَام باطن نماز هستند؛ ولایت حضرتش هم بالاترین فریضه باطنی است.
- ۲- نماز نشانه ظاهری عبودیت است، و ولایت نشانه باطنی آن می باشد.
- ۳- با التزام به نماز؛ شخص ظاهرش بندگی دارد، و با التزام به ولایت؛ باطنش هم بندگی دارد، و بندگی ظاهری نبوده؛ و باطناً هم واقعیت دارد.
- ۴- بدون قبولی نماز؛ سایر عبادات قبول نمی شود، و بدون ولایت؛ نماز قبول نمی شود.

- ۵- اگر نماز شخص پذیرفته شد؛ کاستی های او در فرائض دیگر به لطف حق و شفاعت مولا عَلَيْهِ السَّلَام جبران می شود، و اگر شخص ولایت داشت و پذیرفته شد؛ به برکت ولایت؛ کاستیهای دیگرش در پندار و گفتار و کردار جبران می گردد.
- ﴿﴾ معنای خاص آن این است:

- ۱- نماز؛ گزارشی از معراج افضل خلائق؛ خاتم الانبیاء صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، که در آن حظیره قدسی با حق تعالی هم سخن گشت؛ و خداوند با گویش و لحن و آهنگ صدای مولا عَلَيْهِ السَّلَام با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن گفت.
- ۲- از برکت ظاهر نماز؛ باید به حقیقت و باطن نماز رسید.
- ۳- نماز وسیله معراج مؤمن است، و بوسیله آن؛ می شود به حضرت ربوبی شرفیاب گردید.

﴿﴾ ان شاء الله با توفیق حق و به برکت دستگیری و عنایت مولا عَلَيْهِ السَّلَام؛ و با تأمل در این گونه حقایق و رقایق؛ و التزام به آداب ظاهری و باطنی نماز؛ می توان ضمن ادای فریضه الهی و تحقق معراج روحانی؛ به باطن نماز نیز رسید. [شماره ثبت: (۱۲۱۰) منبع: المسائل الأندلسیه]

سؤال: می خواستم درباره موضوع مهم "توجه در نماز" توضیحی ارائه نمایم.

جواب: از آنجا که آدمی، هم دارای جنبه مادی و ظاهری، و هم جنبه معنوی و باطنی است، لذا در مقام توجه به حضرت حق (تعالی شأنه)، در صورتی توجهش جامع، کامل، واقعی و حقیقی است که؛ این توجه او به حق، هم در بعد ظاهری و مادی (توجه به جهت حق)، و هم در بعد باطنی و معنوی (توجه به وجه حق)، هر دو با هم تحقق پیدا کند. لذا در توجه به قبله در نماز، هم باید متوجه قبله ظاهر، و هم متوجه قبله باطن بشویم (که مثلاً او چطور نماز می خوانده؛ و یا او را برای بهره مندی از نماز شفیع قرار دهیم). [شماره ثبت: (۱۳۹۹) منبع: رساله صلاة جامعة]

سؤال: اهمیت توجه در نماز تا چه حدی است؟ آیا از آداب و مستحبات موجب کمال نماز است؟ یا لزوم و ارزش بیشتری دارد؟

جواب: توجه به حق (عز شأنه) در باطن و معنا و حقیقت، با توجه به وجه الله محقق است، و لذا تعبیر به: (توجه به وجه) شد. از حضرت امام باقر علیه السلام پرسیدند: در نماز چه چیزی فریضه و واجب است؟ فرمود: الوقت و الطهور و القبلة و التوجه و الركوع و السجود و الدعاء. (یعنی) وقت و طهارت و قبله و توجه و رکوع و سجود و دعاء. سپس از بقیه نماز پرسیدند؟ فرمود: سنّة فی فریضه. یعنی: سنّتی است که در فریضه و واجب نهاده شده است.^۲ و نیز حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: فرائض الصلاة سبع: الوقت و الطهور و التوجه و القبلة و الركوع و السجود و الدعاء.^۳ (یعنی) فرائض و واجبات نماز هفت

(۲۰) جامع أحادیث الشيعة، ج ۵ ص ۲۵۸ ح ۷۷۰۵ / الكافي للكليني، ج ۳ ص ۲۷۲.

(۲۱) بحار الأنوار - ج ۸۳ ص ۱۶۰ و ۱۶۳ ح ۱ و ۳ و ۴ / جامع أحادیث الشيعة - ج ۵

ص ۲۵۹ ح ۷۷۰۶ / الخصال للصدوق - ص ۶۰۴.

تاست: وقت و طهارت و توجه و قبله و رکوع و سجود و دعاء. پس بسیار واضح است که این توجّه، فراتر از قبله ظاهری بوده، و از اهمّ فرائض و واجبات اساسی نماز می باشد. [شماره ثبت: (۱۳۰۰) منبع: رساله صلاة جامعة]

سؤال: اگر ممکن است معنای "توجه در نماز" و روش آنرا بیان نمایید.

جواب: توجه؛ یعنی: بنده، روی خود را مواجه با "روی و وجه حق" کند. و این ممکن نشود الا به انصراف (در ظاهر) و انقطاع (در باطن) از جهات دیگر.

توجه ظاهر به سمت حق: برای توجه به سوی حق؛ که در بُعد ظاهری و مادی اتفاق می افتد؛ باید از جمیع جهات ظاهری و جغرافیایی منصرف و منقطع شده، و متفرد در جهت قبله ظاهره بشویم. چه اینکه حضرت حق (تعالی شأنه) در کلام وحی فرموده است: ﴿فلنولينك قبلة ترضاها فولّ وجهك شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره﴾.^{۲۲} و قبله ظاهره همان كعبه مشرفه است، که بیت الله الحرام و مولد حضرت مولا علي (منه السلام)، و نقطه ظهور جهانی حضرت وجه الله مولا صاحب الزمان محمد بن الحسن المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد.^{۲۳}

توجه معنی به وجه حق: با ملاحظه معنای توجه؛ می بینیم که تحقق تام آن؛ تنها با مواجهه وجه الله ممکن است. لذا باید مسیر توجّهمان به حضرت حق (تعالی شأنه)، حضرت مقدسه ولایت کبری (منه السلام) باشد، یعنی (بطور کلی) از طریق حضرات مقدسه معصومین (علیهم السلام)؛ و (بطور خاص) در این عصر از طریق حضرت صاحب الأمر (منه السلام) توجه به حضرت حق (تعالی شأنه) پیدا کنیم، آنچنان که در

(۲۲) قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۴۵.

(۲۳) بحار الأنوار - ج ۳۵ ص ۸ ح ۱۱ و سایر مصادر حدیث و فقه.

توقع شریف وارده از ناحیه مقدسه آمده: إذا أردتم التوجه بنا الى الله تعالى و الينا... يعني: (هرگاه خواستید توجه پیدا کنید بوسیله ما به سوی خداوند تعالی و به سوی ما...)؛^۴ و با توجه به حضرت ایشان؛ باید توجه به حق (تعالی شأنه) نماییم، چه اینکه حضرتش وجه الله بوده، و او وجهه ما در توجه به خداوند (عَزَّوَجَلَّ) می باشد، و ما فقط بواسطه حضرتش می توانیم به حق (تعالی شأنه) توجه کنیم. و این معنی در کلام خازنان وحی عليه السلام بسیار تصریح گردیده است، از جمله: {اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا}؛^۵ و {اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ}؛^۶ یعنی: خدایا من بوسیله محمد و علی و آل آنها، به تو توجه پیدا می کنم. و این توجه؛ با انقطاع از ما سوای حق؛ و تفرد در وجه حق؛ تحقق می پذیرد. [شماره ثبت: (۱۳۰۱) منبع: رساله صلاة جامعة]

سؤال: آیا برای توجه در نماز؛ دعاهايي از حضرات معصومین عليهم السلام وارد شده است؟

جواب: دعاهايي که از خازنان وحی عليهم السلام در مقام توجه به قبله ظاهره و باطنه وارد شده است؛ دو دسته اند:

دسته اول: آنهایی که مستحب بوده و جنبه آماده کننده شخص برای موضوع توجه دارد؛ و موضع استفاده از آنها؛ پیش از ورود در نماز و بعد از اقامه و قبل از اولین تکبیر الاحرام می باشد، چند نمونه از اینها چنین است:

﴿اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ رَوْحِكَ * وَلَا تَقْنُطْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ * وَلَا

(۲۴) بحار الأنوار، ج ۵۳ ص ۱۷۱ ح، ج ۹۱ ص ۳۶ ح، ج ۹۳ ص ۱۲۱، ج ۹۹ ص ۸۱.

(۲۵) جامع أحاديث الشيعة - ج ۵ ص ۱۹۷ ح ۷

(۲۶) جامع أحاديث الشيعة - ج ۵ ص ۱۹۵ ح ۴

تُؤْمِنِي مَكْرِكَ * فَإِنَّهُ لَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ *^{٢٧}

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ * بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
صلوات الله عليهما * وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْجِهٍ مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْكَ بِهِمَا
* وَ أَقْرَبَ مَنْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِهِمَا * وَ قَرَّبْنِي بِهِمَا مِنْكَ زُلْفَى
وَ لَا تُبَاعِدْنِي عَنْكَ * آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ *^{٢٨}

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ * وَ رِضَاكَ طَلَبْتُ * وَ ثَوَابَكَ ابْتَغَيْتُ *
وَ بِكَ آمَنْتُ * وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ * وَ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ * وَ ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ *
وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي * وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً *
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ *^{٢٩}

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ * وَ أَقْدِمُهُمْ بَيْنَ
صَلَاتِي * وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَيْكَ * وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا
وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * مَنْنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ * فَاحْتِمِ لِي

(٢٧) جامع أحاديث الشيعة - ج ٥ ص ١٩٤ ح ١.

(٢٨) جامع أحاديث الشيعة - ج ٥ ص ١٩٧ ح ٧.

(٢٩) جامع أحاديث الشيعة - ج ٥ ص ١٩٦ ح ٦.

بِطَاعَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ وَ لَا يَتِيهِمْ * فَإِنَّهَا السَّعَادَةُ وَ اخْتِمَ لِي بِهَا
 * فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً * وَ دُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا *
 وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا * وَ رِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطًا * وَ انْظُرْ إِلَيَّ
 بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ نَظْرَةً أَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ وَ الْإِيمَانَ * ثُمَّ لَا
 تَصْرِفْهَا إِلَّا بِمَغْفِرَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ *

دسته دوم: آنچه انجام آن در نماز لازم بوده؛ و در هر حال باید سعی شود که
 ترك نشود، و برای تحقق توجه بوده، و به "افتتاحیه نماز" و "کلمه توجه" معروف
 است، و موضع آن بعد از هفتمین تکبیر الاحرام و قبل از شروع سوره حمد می
 باشد: وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ * عَالِمِ
 الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ * عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ * وَ وِلَايَةِ
 عَلِيٍّ وَ مِنْهَاجِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ هُدَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ *
 وَ الْإِيْتِمَامِ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ * حَنِيفًا
 مُسْلِمًا * وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مُحْيَايِ
 وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ

(۳۰) جامع أحاديث الشيعة - ج ۵ ص ۱۹۵ ح ۴

(۳۱) جامع أحاديث الشيعة - ج ۵ ص ۱۹۶ ح ۵

الْمُسْلِمِينَ * لَا إِلَهَ غَيْرُكَ وَلَا مَعْبُودَ سِوَاكَ * اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ
الْمُسْلِمِينَ * و با استعاذه شروع به تلاوت سوره حمد می کند: اَعُوذُ بِاللّٰهِ
السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ *
الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... و همینطور سوره حمد را ادامه داد و با رعایت و
حفظ توجه به بقیه نماز می پردازد.^{۳۲} [شماره ثبت: (۱۳۰۲) منبع: رساله صلاة جامعة]

❖ از آنجا که حضرات مقدسه، وجه الله و حجاب اعلای حضرت حق (تعالی شأنه) می باشند، لذا کسی که حضرت حق (عزّ وجلّ) را قصد کند، خواه ناخواه توجه به ایشان پیدا کرده است، همچنانکه در زیارت جامعه کبیره خطاب به ایشان می گوئیم: {وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ}.^{۳۳} ولی شخص عارف به حق و حقیقت در اثر این معرفت، با اراده خودش قصد می کند. و چون نیت به معنی "قصد" می باشد، لذا وقتی که می خواهیم نیت کنیم، همانطوری که در حدیث شریف حضرت امام رضا علیه السلام آمده بود، نیت می نماییم، که فرمود: {وَانُو عِنْدَ الصَّلَاةِ ذَكَرَ اللّٰهِ وَ ذَكَرَ رَسُوْلَ اللّٰهِ ﷺ وَ اجْعَلْ وَاحِدًا مِنَ الْأُتَمَةِ نَصَبَ عَيْنِيكَ}.^{۳۴} یعنی: هنگام نماز، یاد خدا و یاد رسول الله ﷺ را نیت کن، و یکی از حضرات ائمه علیهم السلام را، وجهه و نصب العین خود قرار ده. و قبلا در دعای توجه گذشت^{۳۵} که: ایشان را در هنگام نماز مقدم قرار می دهیم، و این نیت و توجه و نصب العین قرار دادن؛ نوعی توسل

(۳۲) جامع أحاديث الشيعة - ج ۵ ص ۳۰۵ ح ۲۳

(۳۳) بحار الأنوار - ج ۹۹ ص ۱۳۱ و ۱۵۴

(۳۴) فقه الرضا علیه السلام - ص ۱۰۵

(۳۵) همین کتاب ص ۲۳ و در رساله (صلاة جامعة) مبحث ادعیه مقام توجه.

به حضرات برای توفیق به نماز حقیقی است. [شماره ثبت: (۱۳۳۴) منبع: رساله صلاة جامعة]

سؤال: با توجه به اینکه انسان در نمازیکی از ائمه علیهم السلام را به عنوان نصب العین خود قرار دهد؛ و از طرفی فرمودید ما در این زمان يك امام بیشتر نداریم و آن هم وجود حضرت بقية الله عجل الله فرجه الشریف است؛ و همینطور مشخص شد که "کلهم نور واحد"؛ آیا حضرت صاحب الأمر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نصب العین قرار دهیم؟ یا اینکه از ائمه دیگر نیز فیض ببریم؟

جواب: توجه و توسل به سایر معصومین علیهم السلام هم مانعی ندارد، اما امروز مدار جمیع امور حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداء می باشند، و دیگر حضرات از ایشان جدایی ندارند، فلذا از امام حاضر استمداد باید نمود. [شماره ثبت: (۸۰۵) منبع: المسائل القمية]

سؤال: آیا شروع نماز با تکبيرة الاحرام است؟ تکبیرات متعددی که اول نماز می گویند؛ آیا قبل از ورود به نماز است؟ یا داخل نماز؟ افتتاحیه نماز (که در فرمایشات معصومین علیهم السلام بر روی آن بسیار تأکید شده) کدام است؟ آیا اینها قبل از ورود به نماز است؟ یا ابتدای نماز و داخل آن می باشد؟ لطفاً روش کامل و ترتیب دقیق تکبیرات و مضامین افتتاحیه نماز را برایمان بیان فرمایید.

جواب: برای ورود به نماز باید تکبیر بگوییم، و عدد کامل آن هفت می باشد.^{۳۶} باید دانست که: با گفتن همان اولین "الله اکبر" از این هفت عدد تکبیر، وارد نماز می شویم،^{۳۷} نه اینکه اینها خارج از نماز باشد، ولذا افرادی که به جماعت

(۳۶) جامع أحاديث الشيعة - ج ۵ ص ۲۶۴ تا ص ۲۶۸ ح ۱ تا ح ۷

(۳۷) جامع أحاديث الشيعة - ج ۵ ص ۲۶۴ ح ۱ تا ح ۱۱ / وسائل الشيعة - ج ۶ ص ۲۱

ح ۴ و ص ۲۴ ح ۱ و ص ۲۲ ح ۶

نماز می خوانند؛ از همان تکبیر اول می توانند اقتدا کنند، از این رو بنابر فرمایش معصوم علیه السلام: خوب است که امام جماعت؛ تنها همان تکبیر اول را بلند گفته، و بقیه را آهسته بگوید، تا مأمومین در اشتباه نیفتند.^{۳۸}

اما ترتیب تکبیرات و نحوه افتتاحیات

اول سه تکبیر پشت سر هم می گوئیم، سپس دعای افتتاحیه اول را می خوانیم: * اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ * لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ * سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ * اِنِّيْ عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِيْ * فَاغْفِرْ لِيْ ذَنْبِيْ * اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ *^{۳۹}

پس از آن دو تکبیر گفته و دعای افتتاحیه دوم را می خوانیم:

* لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ * وَ الْخَيْرُ فِيْ يَدَيْكَ * وَ الشَّرُّ لَيْسَ اِلَيْكَ * وَ الْمَهْدِيُّ مِنْ هَدَيْتَ * عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ * ذَلِيْلٌ فَقِيْرٌ * مَسْكِيْنٌ وَاقِفٌ بَيْنَ يَدَيْكَ * مِنْكَ وَ بِكَ وَ لَكَ وَ اِلَيْكَ * لَا مَلْجَا وَ لَا مَنْجَا وَ لَا مَفْرَّ مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ * سُبْحَانَكَ وَ حَنَانِكَ * تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ * سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ * وَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ الْحِلِّ وَ الْحَرَامِ *^{۴۰}

(۳۸) جامع أحاديث الشيعة - ج ۵ ص ۳۰۱ ح ۷۸۱۴ تا ح ۷۸۱۹

(۳۹) جامع أحاديث الشيعة - ج ۵ ص ۳۰۵ ح ۲۳.

(۴۰) جامع أحاديث الشيعة - ج ۵ ص ۳۰۵ ح ۲۳.

سپس دو تکبیر دیگر گفته؛ بعد از آن دعای افتتاحیه سَوم خوانده می شود:

* وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ * عَالِمِ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ * عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ * وَوَلَايَةِ عَلِيٍّ
وَ مِنْهَاجِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ هَدَىٰ عَلِيٌّ بَنِي أَبِي طَالِبٍ * وَ الْإِيْتِمَامَ
بِالْأَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ * حَنِيفًا مُسْلِمًا * وَ مَا أَنَا
مِنَ الْمُشْرِكِينَ * إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مُحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ * لَا
إِلَهَ غَيْرُكَ وَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ * اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ *
أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ
الرحمان الرحيم * الحمد لله رب العالمين...^۱ و همینطور سوره حمد را
ادامه داده و به بقیه نماز می پردازیم.

❖ در صورت کمبود فرصت؛ یا عذر دیگر در خواندن همه افتتاحیات سه گانه،
از خواندن کلمه تَوَجَّهْ (که همان افتتاحیه سَوم باشد) بعد از تکبیر الاحرام
و قبل از قرائت، غفلت نشود.^۲ [شماره ثبت: (۱۳۱۳) منبع: رساله صلاة جامعة]

سؤال: اگر ممکن است شمه ای از تعالیم مذهب حق را؛ در باره قرائت نماز؛ و
چگونگی بهره مندی بیشتر از حقایق آن بیان نمائید، بسیار متشکرم.

(۴۱) جامع أحادیث الشيعة - ج ۵ ص ۳۰۵ ح ۲۳

(۴۲) احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۵۷۵

جواب: برای بهره مند شدن از قرائت نماز و بویژه سوره مبارکه فاتحه الكتاب (حمد)، که رکن قرائت نماز بوده؛ و در همه رکعات نمازها محور توشه چینی از نماز می باشد؛ برخی نکات که از کلام وحی و خازنان وحی علیهم السلام برآمده است را نقل کنیم، خداوند توفیق بهره مندی مان از حقایق نماز را همواره افزون فرماید (بمّنه و کرمه):

۱- در کلام خازنان وحی علیهم السلام آمده است که: حضرت امام سجاد علیه السلام، در هنگام قرائت نماز بقدری جمله "مالک یوم الدین" را تکرار می کردند، و حالشان طوری تغییر می کرد، که نزدیک بود از دنیا بروند.^{۴۳}

۲- توجهمان در گفتن "ایک نعبد" باید متمرکز و جمع این معنی باشد که: خدایا فقط تو را عبادت می کنیم، و تنها به تو توجه داریم، و فقط تو برای ما دارای اهمیت هستی، که در واقع بدین وسیله نفی هر گونه شرک؛ اعم از خفی و جلی؛ بنماید.

۳- حقیقتاً بگوید "ایک نستعین" که: خدایا امید کمک تنها از تو داریم، و فقط از تو در کارها کمک می گیریم. و این آیه شریفه رمز توحید نظری و توحید عملی است.

۴- بنده مؤمن، وقتی از برکات ظاهر و باطن نماز بهره مند می شود که: در آنچه می گوید، راستگو باشد، و این ممکن نباشد الاّ به تصدیق عملی آن در بیرون نماز، با نفی شرک جلی و خفی، و عدم اتکای به غیر حق متعال.

۵- همچنین در کلام خازنان وحی علیهم السلام آمده است که: حضرت امام صادق علیه السلام

در نماز، فقره "ایک نعبد و ایاک نستعین" را آن قدر تکرار می نمودند؛ تا از حضرت حق (تعالی شأنه) آنرا می شنیدند.^{۴۹}

۶- در هنگام دعای "اهدنا الصراط المستقیم" آن کسی که صراط مستقیم و نبأ عظیم است، (یعنی حضرت مولی علی علیه السلام) را در نظر داشته باشیم.^{۵۰}

۷- در "صراط الذین أنعمت علیهم" متوجه حضرات مقدسه معصومین علیهم السلام (که معنی آن هستند)^{۶۱} باشیم.

۸- همچنین در کلام خازنان وحی علیهم السلام آمده؛ که: حضرات معصومین علیهم السلام، هر مقداری از آیات قرآنی را تلاوت می نمودند (خصوصاً آیات وعید و بیم دهنده را) آنرا با حال توجه و با ناله می خواندند؛ و آنرا تکرار می کردند.^{۵۲} ولذا تکرار کردن آیات در قرائت نماز؛ چه حمد و چه سوره، نه تنها جایز بوده، بلکه فضیلت هم دارد.

۹- پس از فراغت از تلاوت سوره حمد، به اندازه یک تنفس و تجدید نفس؛ صبر کرده، آنگاه سوره را شروع نماید.^{۵۳} [شماره ثبت: (۱۳۰۵) منبع: رساله صلاة جامعة]

سؤال: بنده مدتی است آنچه را که از بزرگان دین و اهل بیت علیهم السلام در مورد نماز سفارش شده؛ و هر چه کتاب در مورد نماز مطالعه نموده ام؛ رعایت کرده ام،

(۴۴) بحار الأنوار - ج ۴۷ ص ۵۸ ح ۱۳ / جامع أحادیث الشيعة - ج ۵ ص ۲۴۵ ح ۶۱

(۴۵) تفسیر کنز الدقائق ج ۱ ص ۶۸ تا ص ۷۱

(۴۶) تفسیر کنز الدقائق ج ۱ ص ۷۵

(۴۷) جامع أحادیث الشيعة - ج ۵ ص ۳۶۶ ح ۶۱

(۴۸) وسائل الشيعة - ج ۶ ص ۱۱۴ ح ۲

مانند خواندن نماز اول وقت، رعایت مستحبات، خواندن نماز در اوقات پنجگانه، نماز جامع، خواندن نوافل، توسل به یکی از حضرات معصومین علیهم السلام در هنگام ورود به نماز، ولی آن چنان که شایسته باشد؛ حضور قلب در نماز و لذت در مناجات و عبادت برایم حاصل نشده، لطفاً در مورد چگونگی تمرکز در نماز توضیح فرمایید.

جواب:

(۱)- آنچه به آن موفق شده اید بسیار پسندیده و توفیق ارزشمندی است، و در جهت وسیع کردن میدان بهره مندی شما از نماز است، ولی موضوع توجّه؛ جان و روح این مطلب بوده که بدون این؛ همه آنها قالب بی روح است.

(۲)- توجّه در نماز بدون تمرکز بدست نمی آید، و تمرکز با انقطاع از غیر بدست می آید، نه التفات به اغیار و تمرکز در يك نقطه، لذا باید از بیرون نماز منقطع گردید.

(۳)- مشکل عدم تمرکز؛ ناشی از شلوغی و ورّاجی ذهن و غیر اختیاری بودن فعالیت آنست، برای تمرکز باید فعالیت ذهن آرام و بلکه بکلی متوقف شود، تمرکز و توجّه؛ نوعی مشغول کردن ذهن به يك امر خوب و مورد نظر نیست، بلکه کلاً باید ذهن خاموش شود.

(۴)- خاموش کردن ذهن در وقت نیاز؛ تنها با تسلط صاحب ذهن ممکن است، تسلط شخص بر ذهن با اختیاری کردن فعالیت ذهن عملی است، یعنی هر وقت بخواهد بتواند آنرا خاموش کرده؛ و میدان جولان ذهن را در اختیار داشته باشد، و این بدون سابقه تجربه و مهارت شخص در این زمینه بدست نمی آید،

از این رو شخص باید در بیرون نماز و غیر از وقت عبادت نیز مرتباً به دنبال
اختیاری کردن فعالیت ذهن باشد.

(۵)- اختیاری کردن فعالیت ذهن؛ تنها با منع فعالیت غیر اختیاری ذهن بدست
می آید، برنامه اختیاری کردن ذهن را از اینجا می توانید شروع کنید: فعالیت
ذهن در هر کاری؛ حتی جزئی ترین و بی اهمیت ترین کار (شستشوی دندان،
پوشیدن لباس و...) باید در خود همان کار باشد، نه اینکه چون آن کار ساده
است؛ و بدون حواس جمع هم انجام می شود؛ پس ذهن آزاد است هر جا برود! یا
صرفه جویی در اوقات می کنیم و ضمن انجام کارها؛ از ذهن برای برنامه ریزی
راجع به يك کار مفید استفاده کرده و در آن باره فکر می کنیم! نه خیر، نه آزاد
باشد که هر جا برود، و نه به نفع ماست که در حال انجام کاری؛ ذهن ما در
جایی غیر آن کار باشد، در شبانه روز بیشتر کارهایی که انجام می دهیم؛ چه بسا
خود آن کار؛ نیاز به حضور ذهن در همان کار نداشته باشد، و با ذهن جایی
دیگر بودن نیز؛ آن کار بدون هیچ مشکلی عملی باشد، ولی این روش غلط؛ که
مرتباً هر شب و روز؛ بارها و بارها تکرار می شود؛ نتیجه اش پیدایش يك
عادت شدید؛ بر بیرون بودن ذهن از کاری که مشغولش است می گردد. با داشتن
این عادت شدید (بیرون بودن ذهن از امر فعلی)؛ و تمرین و تکرار مداوم آن؛
چطور می خواهیم در وقت نماز و طاعت؛ به آسانی و فوریت حواس جمع بوده و
ذهن متمرکز باشد؟!

(۶)- جز از این؛ موانع دیگری هم در این راستا؛ در وقت نماز ممکن است
وجود داشته باشد، از قبیل: موجبات سلب توفیق که از راههای دیگر فراهم
شده، یا امتناع نفس عاصی، و یا اغوای شیطان (اعاذنا الله من جميع ذلك).

(۷) - بنابراین؛ ابتدا باید عادت غلطمان را تصحیح کنیم، پس از آن مواظبت بر اختیاری کردن ذهن بنماییم؛ تا بتوانیم در وقت نیاز و نماز؛ ذهن را به آسانی خاموش نموده و توجه در نماز را پس از آن حاصل نماییم.

شایان ذکر است که: این کار سخت نبوده و کمی جدیت و باورداشتن و همت می خواهد. از کوچکترین کارها؛ بلکه از اولین کاری که از اول صبح که بیدار می شوید شروع کنید، از همان کار مواظب باشید که فقط در همان کار باشید، و بعد از آن همینطور در کار بعدی و بعدی. اوایل امر ممکن است بعضی موارد یا برخی از اوقات؛ طبق عادت قبلی؛ ذهنتان بیرون از کاری که مشغولش هستید برود، ولی با پیگیری و استمرار؛ این تخلفات کمتر و کمتر شده؛ تا اینکه بکلی مرتفع می گردد. (بفضل الله و عونه).

(۸) - در صورت تمکن از اختیاری شدن ذهن (به هر مقدار)، به مدد حق در اوقاتی که مطالبی نگران کننده؛ بطور ناخواسته به ذهن انسان هجوم می آورند، در این وقتها نیز می توان با يك ترمز ذهني و خاموش کردن آني؛ ذهن را از وراجی و مشغولیت و غیر اختیاری بودن بیرون آورد.

(۹) - در این گونه مواقع بینش و معرفت شخص مؤمن (که مبتنی بر اصل زیر است) نیز به کمک او آمده، و به راحتی می تواند ذهن را آرام و خاموش نماید، این اصل مهم عبارت از عقیده به این مطلب است:

زمام همه امور در دست حق تعالی است، و بی حول و قوه الهی حتی برگي از درخت نمی افتد، تقدیر به اراده حق معین شده، و مقادیر امور به دست خداوند است، و تشویش و مشغولیت ذهن در عواقب امور تغییری نمی دهد، تمام

ابتلاعات برای تسلیم بیشتر بندگان خدا و عبودیت بیشتر آنان است، و نشانه تسلیم بنده؛ آرامی و اطمینان او است، و آرامی حقیقی در ذهن و دل است، و این با انجام وظیفه شرعی یا عقلی شخص؛ و مطالعه و تحقیق و تدبیر در انتخاب بهترین راهکارها نیز منافاتی ندارد.

(۱۰)- ان شاء الله به لطف الهی و همت و جدیتان، با استمرار توفیقاتی که یاد کرده اید، و جان بخشیدن به آنها (همچنان که شرح شد)؛ به مرور بهره مندی مندی شما از نماز بیشتر و روز افزون گردیده؛ تا ابتدا زنگارهای گذشته از دل زدوده؛ و حجابهای سابق مرتفع گردیده، و نور نماز به جان دل رسیده، و مشاعر و ادراکات شما گشوده شده، و حظ و دریافت شما از حضور و معنا و حقیقت نماز کامل شود. آمین رب العالمین. [شماره ثبت: (۱۳۱۹) منبع: المسائل الهمدانیة]

سؤال: وقتی که نماز می خوانم، حدیث ها یا تفسیرهایی که راجع به معرفت و آداب در درسهای دینی خوانده ام یا که پای منبرها شنیده ام؛ به ذهنم می آید. اگر به واسطه اینها سعی کنم که در نماز تمرکز داشته باشم اشکالی دارد؟ آیا اشکالی دارد که نمازمان همراه با این نوع افکار باشد؟

جواب: اگر صرفاً تذکر به آنها پیدا می کند (که موجب تطبیق بهتر آداب و انجام شایسته تر نماز می شود) اشکالی ندارد، ولی اگر موجب مشغولیت ذهنی به آن مباحث در سرتاسر نماز می شود؛ این توفیق به توجه در نماز نبوده، و صرفاً بر مشغولیت ذهن به افکار دنیوی ترجیح دارد. تحصیل توجه در نماز؛ با انقطاع ذهن و فکر و دل است، آن تعلیمات و معارف الهی برای درست و بهتر نماز گزاردن است؛ نه مشغول کردن ذهن در حال نماز به آنها. [شماره ثبت: (۱۲۸۰) منبع: المسائل الهمدانیة]

آئین توجّه در غیر نماز

دوم: کلام توجّه: و آن نحوه توجّه در غیر نماز است، و آن همان توجّه بسوی
خدای تعالی بوسیله ناحیه مقدّسه بواسطه زیارت آل یاسین کامله است.

حضرات معصومین علیهم السلام :

نَحْرُ الْوَجْهِ
الَّذِي يُؤْتِي اللَّهَ مِنْهُ

ناحیه مقدّسه

کلمه "ناحیه" در زبان وحی (عربی) به معنای: سمت و جهت و سرزمین و منطقه و جایگاه، آمده است، ولی در اینجا ضمن شمول این موارد؛ و دلالت بر مرکز و میدان نیرو؛ معنایی فراتر نیز دارد، و ناحیه مقدّسه یعنی: آن حضور و حضرت مقدّسی که مدار گردش أفلاك و لنگر عالم وجود بوده، و آن نقطه واحدی که مرکز اتصال تمام موجودات با حق تعالی است، و آن مصدر و ملجأی که پیدایش و بقا و رشد هر چیز به او بستگی داشته، و لذا آگاهی و شناخت و احاطه او به هر چیز؛ مانند سریان وجود در اجزای هر موجود است، پس او بهترین بلکه مصدر حقیقی دریافت (از الله) بوده، و شایسته ترین بلکه تنها مرجع برای تسلیم (به حق) می باشد. و در دوران آخر الزمان، و در این عصر:

حضرت ابوالقاسم محمد المهدی (منه السلام وایه التسليم)

در آن محضر جلوه گر بوده و می باشد، خداوند فرج او را تعجیل و امر او را بر همگان ظاهر نماید، و معرفت و محبت و تسلیم ما را نسبت به وی؛ روز افزون فرموده و او را از ما راضی و خشنود گرداند. آمین رب العالمین

توصیه سفیر ناحیه مقدسه به شیفتگان دیدار حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف

شیخ بزرگوار و سعادتمند جناب ابو عبد الله؛ محمد بن جعفر بن علی مشهدی حائری گفت: ابو علی حسن بن شناس (چنین) گفت که: خبر داد ما را؛ ابو محمد عبد الله بن محمد دعلجی که وی گفت: خبر داد به ما؛ ابو الحسن حمزه بن محمد بن حسن بن شبیب، که جناب ابو عبد الله احمد بن ابراهیم برای وی تعریف نمود که:

خدمت جناب ابی جعفر محمد بن عثمان (نائب خاص حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران غیبت صغری؛ شکوه نمودم شوق و اشتیاقم را برای دیدن مولایمان علیه السلام، پس ایشان به من فرمود: آیا با اشتیاق می خواهی که ایشان را ببینی؟ پس به او گفتم: آری! پس به من فرمود: خداوند شوق تو را برای پاس دارد، و چهره او را به آسانی و در عافیت به تو بنمایاند، ای ابا عبد الله؛ دنبال نکن که ببینی ایشان را، چرا که در روزگار غیبت، نسبت به حضرتش اشتیاق ورزیده می شود؛ ولی اجتماع با ایشان پرسیده نمی شود، همانا این امر (اجتماع) از تصمیمات الهی است، که تسلیم در برابر آن سزاوارتر است. ولی به حضرتش توجه نما بواسطه زیارت، اما چگونه بجای آورد و آنچه حضرتشان (در این باره) املاء فرموده اند نزد محمد بن علی است، پس از رونوشت بردارید.

و این (دستور) همان (روش) توجه به حضرت صاحب الامر (منه السلام) است بوسیله زیارت (آل یاسین) بعد از انجام نماز آن ... تا آخر حدیث.^{۴۹}

(۴۹) مزار کبیر ص ۵۸۵ و بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۴ ج ۶.

راویان کلام توجّه (زیارت آل یاسین)

علامه مجلسی نقل نموده که: °محمّد بن جعفر بن علیّ مشهدی در کتاب خود معروف به مزار کبیر می گوید: °شیخ بزرگوار فقیه دانشمند؛ ابو محمد عربی بن مسافر (ملقب به) عبادی (رضوان الله علیه) حدیث نمود برای ما (به این نحو که احادیث بروی قرائت می شد و ایشان تصدیق می نمودند) در منزل ایشان در شهر حلّه سیفیه در ماه ربیع الاول، سال پانصد و هفتاد و سه، و نیز حدیث کرد مرا شیخ عفیف ابو البقاء هبة الله بن نماء بن علیّ بن حمدون (رحمة الله علیه) در حلّه سیفیه، به همان نحو قرائت، و هر دوی ایشان گفتند که: حدیث نمود برای ما شیخ امین ابو عبد الله حسین بن احمد بن محمد بن علیّ بن طحال مقدادی (رحمة الله علیه) در مشهد مولا یمان امیر المؤمنین (علیه السلام) در جایگاه بزرگی که در نزد سر (مبارک) امام (علیه السلام) است، در دهه آخر از ماه ذیحجه، سال پانصد و سی و نه، او گفت: حدیث کرد ما را شیخ اجلّ و سرور مفید ابو علی حسن بن محمد طوسی (که خدا از او راضی است) در همان مشهد که ذکر شد (که بهترین درود بر صاحب آن باد) در همان جایگاه مذکور در دهه آخر ماه ذیقعد، سال پانصد و نه، او گفت: حدیث کرد برای ما سرور سعادت مند پدرم ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (که خدا از او راضی است) از محمد بن اسماعیل از محمد بن شناس بزاز، وی گفت: خبر داد ما را ابو الحسین محمد بن یحیی قمی که گفت: حدیث نمود برای ما ابو عبد الله محمد بن علیّ بن زنجویه قمی، که گفت: حدیث کرد برای ما ابو جعفر محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری، ...

(۵۰) مزار کبیر ص ۵۶۶ و بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۳ ح ۵ و ج ۹۹ ص ۹۶.

(۵۱) مزار کبیر ص ۵۶۶.

راوی (محمد بن اسماعیل) گفت که ابو علی حسن بن شناس گفته: و (نیز) خبر داد ما را ابو الفضل محمد بن عبید الله (عبد الله) شیبانی که خبر داد او را ابا جعفر محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری (و به وی اجازه نقل همه احادیثی که خود روایت نموده است را به او داد) که: از ناحیه مقدسه، (که خداوند آن را نگهبان است) توقیع شریفی به سوی وی صادر شد که (در آن) بعد از (جواب) مسائل و (بیان) نماز و (دستور) "توجه" آمده بود... تا آخر حدیث.

❖ علامه مجلسی در بحار الانوار می گوید: یافتیم (کتابی را) به خط شیخ محمد بن علی جبعی، به نقل از خط شیخ بزرگوار علی بن سکون که: حدیث کرد برای ما؛ شیخ بزرگ و فقیه؛ سدید الدین ابو محمد عربی بن مسافر عبادی (که خداوند تأیید خود را بر ایشان مستدام بدارد)... و سخن خود را با ذکر همان سند سابق، در روایت از ابی جعفر حمیری، ادامه داده و مثل آن حدیث را نقل کرده است.^{۵۲}

❖ مخفی نماند که محمد حمیری از بزرگان علمای اهل البیت علیهم السلام است، ایشان کرارا توفیق یافته با ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مراسله و مکاتبه داشته باشد؛ و به دریافت توقیعات مبارکی (که در پاسخ او و خطاب به وی صادر شده) مشرف گردد، و همانا علمای مذهب اهل بیت علیهم السلام متن این مراسلات و توقیعات را در کتابهایشان^{۵۳} روایت نموده اند، در بعضی از آن نامه ها جناب حمیری سؤالاتی را به ناحیه مقدسه عرضه داشته است، از جمله: در باب توجه (در نماز و غیر آن) است، پس حضرت

(۵۲) بحار الانوار ج ۹۱ ص ۳۶ ح ۲۳.

(۵۳) احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۵۶۳ تا ۵۹۵ و بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۵۰ باب ۳۱.

صاحب الأمر (منه السلام و إليه التسليم) در مقام بیان کیفیت توجه در غیر نماز، چنین پاسخ فرموده اند:

إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَيْنَا
فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ

یعنی: هر گاه اراده نمودید بواسطه ما، توجه کنید بسوی الله تعالی و بسوی ما پس بگوئید آن چنان که الله تعالی فرمود: **سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ....**

از فرمایش سفیر ناحیه مقدسه (که سابقاً ذکر شد) و همچنین از متن توقیعی (که به سوی جناب حمیری) صادر گردیده است؛ چنین استفاده می شود که دستور **توجه** (به ناحیه مقدسه) به کیفیت مذکور؛ اختصاص به شخص حمیری نداشته؛ بلکه عموم شیعیان را شامل شده و به همه آنان متوجه است، همان گونه که سفراء و نواب حضرتش (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پیوسته به شیفتگان زیارت و ملاقات و اتصال و ارتباط با آن حضرت **عَلَيْهِ السَّلَام** توصیه و سفارش به این (دستور **توجه**) را می نموده اند.

نسخه های توقیع و روش تحقیق

❖ برای این توقیع و زیارت شریف در کتب علمای مذهب اهل بیت علیهم السلام دو نسخه موجود می باشد:

نسخه اول

❖ همانست که از سفیر ناحیه مقدسه نقل شده و مرحوم سید بن طاووس در کتاب مصباح الزائر^{۵۴} و مرحوم مشهدی در کتاب خود معروف به مزار کبیر^{۵۵} و مرحوم مجلسی در بحار الأنوار^{۵۶} آنرا روایت نموده اند.

امیازات نسخه اول: و برای این نسخه مزایایی است از قبیل:

(۱) دقت در ضبط (و ذکر دقیق کلمات و فقرات و مطالب).

(۲) اشتمال بر حقایق و معارف الهی؛ بیش از نسخه دیگر.

(۳) این نسخه همان نسخه ای است که از سوی سفراء ناحیه مقدسه و نواب حضرت حجّت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به هر کس که توجه و تقرب به آن حضرت را طالب، و زیارت و ارتباط با ایشان را شایق بوده؛ توصیه و تأکید شده است.

(۴) و از دیگر مزایای این نسخه زیارت؛ شهرت آن بین قدمای از اصحاب و محدثین و علمای شیعه؛ و اعتماد خواص ایشان در طول قرنهای بر آن بوده است.

(۵۴) مصباح الزائر ص ۴۳۰ تا ۴۳۴.

(۵۵) مزار کبیر ص ۵۶۶.

(۵۶) بحار الانوار ج ۹۱ ص ۳۶ ح ۲۳ و ج ۹۹ ص ۹۶.

نسخه دوم

❖ همانست که در احتجاج طبرسی آمده،^{۵۷} و مرحوم مجلسی آنرا در بحار الأنوار؛^{۵۸} و مرحوم محدّث قمی در مفاتیح الجنان؛^{۵۹} نقل نموده اند. و به همین جهت در سالهای اخیر میان عامه مردم شهرت یافته است.

تعیین نسخه اصل

❖ و از مقایسه دو نسخه، بخوبی روشن می شود که:

نسخه اول مشتمل بر حقایق و معارف ارزشمندی است که نسخه دوم فاقد آنست، و چون قطعی و یقینی است که صدور توقیع از ناحیه مقدّسه، (پیرامون مسئله توجه برای جناب حمیری) تنها يك مرتبه اتفاق افتاده است نه دو مرتبه، و از طرفی برای نسخه اول دارای امتیازاتی است که نسخه دوّم فاقد آنهاست (که پیش از این یاد آور شدیم) پس بوضوح آشکار می شود که نسخه اصلی و صحیح، همان نسخه اول بوده و اما نسخه دوّم تنها؛ اقتباس و انتخابی است که برگرفته شده از نسخه اول می باشد.

❖ و سبب این گونه اقتباس (موجب نقص در متن زیارت) یکی از وجوه زیر می باشد:

❖ اینکه صاحب نسخه دوّم در مقام نقل؛ به حافظه خود اعتماد کرده است، نه بر اساس ثبت و ضبط بوسیله نوشتن، و این بر خلاف روش نقل در نسخه اول

(۵۷) احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۵۹۱ تا ص ۵۹۵.

(۵۸) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۱ ح ۵ و ج ۹۹ ص ۸۱ ح ۱.

(۵۹) مفاتیح الجنان ص ۵۲۵.

است؛ که از ابتدا بر اساس املاء و کتابت استوار بوده است.^{۶۰}

یا اینکه این اقتباس موجب نقص در متن؛ بخاطر حفظ اسرار و حقایق و کتمان آن از اغیار، صورت گرفته باشد، و این عمل از سوی مؤمنی هوشیار و زیرک بوده، برای محفوظ ماندن از دسترس افرادی که متحمل حقایق نیستند، بجهت محافظت حقایق و این متن (دستور توجه و زیارت) و کتمان آن از غیر اهلش بوده باشد.

یا اینکه (این کاستی در متن) از سوی افرادی صورت گرفته باشد که به خاطر تقصیر در معرفت، خود تحمل معارف و حقایق را نداشته؛ ولذا از روی انکار، به چنین کاستی دست یازیده اند.

و از شواهدی که این احتمال را تقویت می کند همانا مشهور شدن نسخه دوم در بین عامه است (با وجود نسخه اصلی و اولی و امتیازات متعدد آن)، و نیز خطاب صریح امام ع در ابتدای این توقیع شریف همین سبب را دلالت دارد، و می رساند که:

متن زیارت مشتمل بر معارف سترگ و حقائق عظیمی است که؛ اهل تقصیر نه تنها خود از درک آن عاجزند؛ بلکه آنرا از اولیاء الله (یعنی حضرات معصومین ع) نیز قبول نمی کنند، چه اینکه حضرت صاحب الأمر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آغاز توقیع شریف بعد از بسم الله الرحمن الرحیم؛ با لحن نهیب و

(۶۰) چنانکه علامه مجلسی رحمته الله خود به آن تصریح نموده است آنجا که می گوید: ووجدت بخط الشيخ محمد بن علي الجبعي، نقلا من خط الشيخ الأجلّ علي بن السكون... الحديث، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۶ ح ۲۳.

هشدار؛ چنین مرقوم فرموده اند:

لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَهُ بِالِغَةِ فَمَا
تُغْنِي الْآيَاتُ وَالتَّنْذِرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ...

یعنی: نه (خود) أمر الله را درك می کنید؛ و نه از اولیاء و
دوستان او می پذیرید، با اینکه این مطلب حکمتی است رسا و
گویا، و نشانه های الهی و هشدارهای او؛ نفعی نمی رساند از
برای مردمانی که ایمان نیاورند و نپذیرند.

پس همه این جهات سبب شد تا اینکه: ما نسخه اول را که؛ کاملتر و جامعتر و
دقیق تر و مضبوط تر و صحیح تر و مورد اعتماد تر بود؛ بر نسخه دوم ترجیح
دهیم.

ولذا نسخه اول را به عنوان اصل و متن قرار دادیم، و با نسخه دوم مقابله و
تصحیح و تکمیل نمودیم، و نسخه اولی را با مقدار کمی از فقرات (که احیاناً
فاقد آن بوده و در نسخه دوم وجود داشت) کامل نمودیم، پس از این امر (مقابله
و تکمیل)، نسخه کامل و شامل و جامعی (انشاء الله تعالی) بدست آمد، و آن
همین نسخه ای است که در پیش روی ماست.

خداوند تبارک و تعالی به برکت آن (معرفت توجه و تحقق آن با آداب و این
نسخه کامله) ما و همه مؤمنین را بهره مند فرموده، و به کمال معرفت او و
محبت او، و تمامیت عبودیت او، و تسلیم (همه جانبه) در برابر او، و اتصال و
ارتباط با حضرتش؛ همواره موفق فرماید، آمین آمین یا رب العالمین.

متن توقیع شریف صادر شده از ناحیه مقدّسه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ
حِكْمَةً بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِي الْأَيَّاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ
الْسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
إِذَا أَرَدْنَاهُ النَّوْجَةَ بِنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَيْنَا
فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى

بنام خداوند رحمان و رحیم، نه امر نه راد می یابید و نه از دوستانش می پذیرید.
(و این) حکمتی رساست، پس سودی ندهد نشانه های حق و پیامهای هشدار و انداز به
قومی که ایمان نیاورند و نپذیرند، سلام بر ما و بندگان صالح خداوند،
هرگاه خواستید توجه کنید بواسطه ما بسوی خداوند تعالی و بسوی ما،
پس بگوئید، همخان که خداوند تعالی فرموده است:

آداب توجه

از آداب این توجّه، پس از خلوص نیت و صدق و صفای دل و طهارت ظاهر و باطن، آنست که: ابتدا دوازده رکعت نماز؛ دو رکعت، دو رکعت، بجای آورد، به نحوی که در همه آنها، بعد از حمد، سوره توحید قرائت کند، و پس از اتمام نمازها بر محمد و علی و آل طیبین و طاهرین ایشان صلوات فرستاده، آنگاه بگوید:

سلام علی آل یاسین

من كلام توحه يازيارت آل ياسين كامل

* سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ * ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ *
وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ * لِمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمَ *
إِمَامُهُ مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمَ * وَقَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ يَا آلَ
يَاسِينَ خِلَافَتَهُ (x) وَقَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ خِلَافَتَهُ يَا آلَ يَاسِينَ * وَ
عِلْمَ مَجَارِي أَمْرِهِ * فِيمَا قَضَاهُ وَدَبَّرَهُ وَرَتَّبَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ
* فَكُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ (x) وَكُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ * وَأَنْتُمْ
خَزَنَتُهُ وَشُهَدَاؤُهُ وَعُلَمَاؤُهُ وَأَمَنَّاؤُهُ * وَسَاسَةُ الْعِبَادِ وَأَرْكَانُ
الْبِلَادِ * وَقُضَاهُ الْأَحْكَامِ وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ * وَسُلَالَةُ النَّبِيِّينَ وَ
صَفْوَةُ الْمُرْسَلِينَ * وَعِثْرَةُ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَمِنْ
تَقْدِيرِهِ مَنَائِحُ الْعِطَاءِ بِكُمْ إِنْفَادُهُ مَحْتُومًا مَقْرُونًا * فَمَا شَيْءٌ
مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ وَإِلَيْهِ السَّبِيلُ * خِيَارُهُ لَوْلِيَّكُمْ نِعْمَةٌ
* وَانْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ سَخَطَةٌ * فَلَا نَجَاةَ وَلَا مَفْزَعَ إِلَّا
أَنْتُمْ * وَلَا مَذْهَبَ عَنْكُمْ * يَا أَعْيُنَ اللَّهِ النَّاطِرَةِ * وَحَمَلَةَ
مَعْرِفَتِهِ * وَمَسَاكِينَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ * (ط: السَّلَامُ

عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ وَرُعَاتِنَا وَهُدَاتِنَا وَدُعَاتِنَا وَقَادَتِنَا وَ
 أَيْمَتِنَا وَسَادَتِنَا وَمَوَالِينَا * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا * وَأَنْتُمْ
 جَاهُنَا أَوْقَاتَ صَلَوَاتِنَا * وَعِصْمَتُنَا بِكُمْ لِدُعَائِنَا وَصَلَاتِنَا وَ
 صِيَامِنَا وَاسْتِغْفَارِنَا وَسَائِرِ أَعْمَالِنَا * وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ وَيَا
 حُجَّةَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ؛ كَمَالَ نِعْمَتِهِ وَوَارِثُ أَنْبِيَائِهِ وَخُلَفَائِهِ؛ مَا
 بَلَغَنَاهُ مِنْ دَهْرِنَا * وَصَاحِبُ الرَّجْعَةِ لَوْعِدِ رَبَّنَا * الَّتِي فِيهَا
 دَوْلَةُ الْحَقِّ وَفَرَجُنَا وَفَرَحُنَا * وَنَصْرُ اللَّهِ لَنَا وَعِزُّنَا * السَّلَامُ
 عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ * وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ * وَالْعَوْثُ وَ
 الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدَا غَيْرِ مَكْذُوبٍ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ
 الْمَرَايِ وَالْمَسْمَعِ * الَّذِي بَعَيْنِ اللَّهُ مَوَاقِفُهُ * وَبِيَدِ اللَّهِ
 عُهُودُهُ * وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ سُلْطَانُهُ * أَنْتَ الْحَكِيمُ الَّذِي لَا تُعَجِّلُهُ
 الْعَصِيَّةُ * أَنْتَ الْحَلِيمُ الَّذِي لَا تُعَجِّلُهُ الْغَضَبَةُ * وَالْكَرِيمُ
 الَّذِي لَا تُبْخَلُّهُ الْحَفِيزَةُ * وَالْعَالِمُ الَّذِي لَا تُجْهَلُهُ الْحَمِيَّةُ *
 مُجَاهِدْتِكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ مَشِيَّةِ اللَّهِ * وَمُقَارَعَتِكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ
 انْتِقَامِ اللَّهِ * وَصَبْرِكَ فِي اللَّهِ ذُو أُنَاةِ اللَّهِ * وَشُكْرِكَ لِلَّهِ ذُو
 مَزِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحْفُوظًا بِاللَّهِ * اللَّهُ نُورَ
 أَمَامِهِ وَوَرَاءَهُ وَيَمِينُهُ وَشِمَالُهُ وَفَوْقَهُ وَتَحْتَهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا مَحْزُونًا (× يَا مَحْزُورًا) فِي قُدْرَةِ اللَّهِ * اللَّهُ تَوَرَّ سَمْعُهُ وَبَصَرُهُ *
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ
 رَبَّانِي آيَاتِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَانَ دِينِهِ * السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
 وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ *
 السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آثَاءِ اللَّيْلِ وَالتَّهَارِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آثَاءِ
 لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ * السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ *
 السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ *
 السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَ
 تَقْنُتُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ
 حِينَ تُعَوِّذُ وَتُسَبِّحُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ *
 السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ
 تُمَجِّدُ وَتَمْدَحُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَسِّي وَتُصْبِحُ * السَّلَامُ
 عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَفِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى * السَّلَامُ عَلَيْكَ
 فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى * السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ وَرُعَاتِنَا *
 وَهُدَاتِنَا وَدُعَاتِنَا * وَقَادَتِنَا وَأَيْمَتِنَا * وَسَادَتِنَا وَمَوَالِينَا *

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا * وَأَنْتُمْ جَاهُنَا أَوْقَاتَ صَلَوَاتِنَا * وَ
 عِصْمَتِنَا بِكُمْ لِدَعَانِنَا وَصَلَاتِنَا وَصِيَامِنَا وَاسْتِغْفَارِنَا وَسَائِرِ
 أَعْمَالِنَا * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ
 أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ *
 أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ * أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ وَحْدَهُ
 وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ * لَا حَبِيبَ إِلَّا
 هُوَ وَأَهْلُهُ * وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ * أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 حُجَّتَهُ * وَأَنَّ الْحَسَنَ حُجَّتَهُ * وَأَنَّ الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ * وَأَنَّ
 عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ * وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ * وَأَنَّ
 جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ * وَأَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ * وَأَنَّ
 عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ * وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ * وَأَنَّ عَلِيَّ
 بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ * وَأَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ * وَأَشْهَدُ أَنَّكَ
 حُجَّةُ اللَّهِ * وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاؤُهُ وَهُدَاهُ رُشْدُكُمْ * أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَ
 الْآخِرُ وَخَاتِمَتُهُ (× خَاتِمُهُ) * وَأَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ * لَا شَكَّ (×
 لَا رَيْبَ) فِيهَا * يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ
 قَبْلُ * أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا * وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ * وَأَشْهَدُ
 أَنَّ مُنْكَرًا (× نَاكِرًا) وَنَكِيرًا حَقٌّ * وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ * وَ

أَنَّ الْبُعْثَ حَقٌّ * وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ * وَأَنَّ الْمِرْصَادَ حَقٌّ * وَ
 أَنَّ الْمِيزَانَ حَقٌّ * وَالْحُشْرَ وَالْحِسَابَ حَقٌّ * وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ *
 وَ النَّارَ حَقٌّ * وَالْجَزَاءَ بِهِمَا لِلْوَعْدِ وَالْوَعِيدِ حَقٌّ * (×) وَالْوَعْدَ
 وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ * وَأَنَّكُمْ لِلشَّفَاعَةِ حَقٌّ * لَا تُرْذُونَ وَلَا
 تُسَبِّقُونَ * وَلَا تَسْبِقُونَ مَشِيَّةَ اللَّهِ * بِمَشِيَّةِ اللَّهِ وَ بِأَمْرِهِ
 تَعْمَلُونَ * وَلِلَّهِ الرَّحْمَةُ وَالْكَلِمَةُ الْعُلْيَا * وَبِيَدِهِ الْحُسْنَى * وَ
 حُجَّةَ اللَّهِ الْعُظْمَى (×) (التَّعْمَى) * خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِعِبَادَتِهِ *
 أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ * فَشَقِيَّيْ وَسَعِيدٌ * يَا مَوْلَايَ قَدْ شَقِي
 مَنْ خَالَفَكُمْ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ * وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ فَاشْهَدْ
 بِمَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ * تَحْزَنُهُ وَتَحْفَظُهُ لِي عِنْدَكَ * أَمُوتُ عَلَيْهِ وَ
 أَنْشُرُ عَلَيْهِ وَأَقِفُ بِهِ * وَلِيَا لَكَ بَرِيئًا مِنْ عَدُوِّكَ * مَا قِتَالِمَنْ
 أَبْغَضَكُمْ * وَادًّا لِمَنْ أَحَبَّكُمْ (×) (أَحْبَبْتُمْ) * فَاشْهَدْ عَلَى مَا
 أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ * وَأَنَا وَلِيٌّ لَكَ وَبَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ * فَالْحَقُّ مَا
 رَضِيتُمُوهُ * وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ * وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ *
 وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ * وَالْقَضَاءُ الْمُثْبِتُ مَا اسْتَأْثَرْتُمْ بِهِ
 مَشِيَّتِكُمْ * وَالْمَمْحُورُ مَا لَا اسْتَأْثَرْتُمْ بِهِ سُنَّتِكُمْ * فَلَا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ * وَحْدَهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ * وَ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ * عَلَيَّ

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُجَّتُهُ * الْحَسَنُ حُجَّتُهُ * الْحُسَيْنُ حُجَّتُهُ *
 عَلِيٌّ حُجَّتُهُ * مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ * جَعْفَرٌ حُجَّتُهُ * مُوسَى حُجَّتُهُ *
 عَلِيٌّ حُجَّتُهُ * مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ * عَلِيٌّ حُجَّتُهُ * الْحَسَنُ حُجَّتُهُ * وَ
 أَنْتَ حُجَّتُهُ * وَأَنْتُمْ حُجَجُهُ وَ بَرَاهِينُهُ * أَنَا يَا مَوْلَايَ مُسْتَبْشِرٌ
 بِالْبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَّ شَرْطُهُ قِتَالًا فِي سَبِيلِهِ * إِشْتَرَى بِهِ
 أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ * فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ * وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ *
 وَ بَرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * وَ بِكُمْ يَا مَوَالِيَّ * وَ بِكَ
 يَا مَوْلَايَ * أَوْلَكُمْ وَ آخِرَكُمْ * وَ نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ (×) وَ
 نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ * وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ * وَ بَرَأَتِي مِنْ
 أَعْدَائِكُمْ أَهْلِ الْحُرْدَةِ وَ الْجِدَالِ ثَابِتَةٌ لِشَارِكُمْ * أَنَا وَلِيُّ وَحِيدٌ
 * وَ اللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ يَجْعَلُنِي كَذَلِكَ (×) جَعَلَنِي بِذَلِكَ * آمِينَ
 آمِينَ * مَنْ لِي إِلَّا أَنْتَ فِيمَا دِنْتُ وَ اعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ *
 تَحْرُسُنِي فِيمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ * يَا وَقَايَةَ اللَّهِ وَ سَرَّهُ وَ بَرَكَتَهُ *
 أَغْنِنِي أَغْنِنِي أَذْنِي أَغْنِي أَذْرِكُنِي * (ظ: أَغْنِنِي أَذْرِكُنِي أَغْنِي
 أَغْنِنِي أَذْنِي) صَلِّنِي بِكَ وَ لَا تَقْطَعْنِي * اَللَّهُمَّ إِلَيْكَ بِهِمْ (×)
 بِهِمْ إِلَيْكَ) تَوَسَّلِي وَ تَقَرَّبِي * اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ *
 وَ صَلِّنِي بِهِمْ وَ لَا تَقْطَعْنِي * اَللَّهُمَّ مُحَجِّتِكَ اِعْصِمْنِي وَ

سَلَامِكَ عَلَى آلِ يَاسِينَ * مَوْلَايَ أَنْتَ الْجَاهُ عِنْدَ اللَّهِ رَبِّكَ وَ
 رَبِّي * إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ * اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ
 مِنْ كُلِّكَ * فَاسْتَقَرَّ فِيكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلَى شَيْءٍ اَبَدًا * اَيَا
 كَيْنُونُ اَيَا مُكُونُ اَيَا مَكْنُونُ * اَيَا مُتَعَالُ اَيَا مُتَقَدِّسُ * اَيَا
 مُتَرَحِّمُ اَيَا مُتَرَا حِمُ اَيَا مُتَرَتِّفُ اَيَا مُتَحَنِّنُ * اَسْئَلُكَ كَمَا
 خَلَقْتَهُ غَضًا * اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ * وَكَلِمَةِ نُورِكَ
 * وَوَالِدِ هُدَاةِ رَحْمَتِكَ * وَامْلَأْ (x) وَأَنْ تَمْلَأَ) قَلْبِي نُورَ الْيَقِيْنِ
 * وَصَدْرِي نُورَ الْاِيْمَانِ * وَفِكْرِي نُورَ الثَّبَاتِ * وَعَزْمِي
 نُورَ التَّوْفِيْقِ * وَذُكَايِ نُورَ الْعِلْمِ * وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ * وَ
 لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ * وَدِيْنِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ * وَ
 بَصْرِي نُورَ الصِّيَاءِ * وَسَمْعِي نُورَ وَغِي الْحِكْمَةِ * وَمَوَدَّتِي نُورَ
 الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ * وَنَفْسِي وَيَقِيْنِي نُورَ
 قُوَّةِ الْبِرَاةِ مِنْ اَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَاعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى الْقَاكَ وَقَدْ
 وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ * فَلْتَسْعِنِي (x) فَيَسْعُنِي - فَتُعْشِّنِي
 رَحْمَتِكَ * يَا وَلِيَّيَا حَمِيْدُ * بِمَرَاكَ وَمَسْمَعِكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
 دُعَائِي * فَوْقَنِي مُنْجِزَاتِ اِجَابَتِي * اَعْتَصِمْ بِكَ * مَعَكَ مَعَكَ
 مَعَكَ سَمْعِي وَرِضَايَا يَا كَرِيْمُ * اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ

فِي أَرْضِكَ * وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ * وَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ * وَ
 الْقَائِم بِقِسْطِكَ * وَ الثَّائِر بِأَمْرِكَ * وَلِيّ الْمُؤْمِنِينَ * وَ بَوَارِ
 الْكَافِرِينَ * وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةِ * وَ مُنِيرِ الْحَقِّ * وَ النَّاطِقِ
 بِالْحِكْمَةِ وَ الصَّدْقِ * وَ كَلِمَتِكَ الثَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ * الْمُرْتَقِبِ
 الْحَائِفِ * وَ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ * سَفِينَةِ النَّجَاةِ * وَ عِلْمِ الْهُدَى *
 وَ نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى * وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى * وَ مُجَلِّي
 الْعَمَى * الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ * عَدْلًا وَ قِسْطًا * كَمَا مِلَّتْ
 ظُلْمًا وَ جَوْرًا * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 وَلِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِكَ * الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ * وَ أَوْجَبْتَ
 حَقَّهُمْ * وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ * وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا *
 اللَّهُمَّ انصُرْهُ * وَ انْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ * وَ انصُرْ بِهِ أَوْلِيَائَكَ وَ
 أَوْلِيَائَهُ * وَ شِيعَتَهُ وَ انصَارُهُ * وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ * اللَّهُمَّ أَعِذْهُ
 مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ * وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ * وَ احْفَظْهُ
 مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ * وَ
 احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ * وَ احْفَظْ فِيهِ
 رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ * وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ * وَ أَيْدِهِ بِالنَّصْرِ * وَ
 انصُرْ نَاصِرِيهِ * وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ * وَ اقْصِمْ قَاصِمِيهِ * وَ

أَقْصَمُ بِهِ جَبَابِرَةُ الْكُفْرِ * وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ * وَ
 جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ * حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا
 * بَرِّهَا وَبَحْرِهَا * وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا * وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ
 نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ * وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ
 أَعْوَانِهِ * وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ * وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ
 السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ * وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ * إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ
 * يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ * يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *



حجر الأسود

ترجمه کلام توحه یا زیارت آل یاسین کامله

* سلام بر خاندان یاسین (= پیامبر ﷺ) * آن (سلام و درود)؛ همان فضل و عنایت آشکار است از جانب الله * و همان معبود است که صاحب فضل و عنایت سترگ است * برای آنکه به صراط مستقیم خودش (= حضرت مولا ﷺ) هدایتش فرماید * پیشوای او کسی است که او را به صراط مستقیم خودش (= حضرت مولا ﷺ) هدایت می نماید * ای آل یاسین ﷺ! براستی که الله جانشینی اش را برای شما آورده است * و (آورده است برای شما) دانش مواضع اجرایی فرمایشش را؛ که در ملکوت خود امضا و تدبیر فرموده، و ترتیب و اراده نموده است * پس برای شما پرده (از ملکوت و اسرارش) برداشت * و شما باید گنجانان و گواهان او * و دانشمندان و امینان او * و (شما باید) اداره کنندگان بندگان (خدا) و پایه های استواری سرزمینها * و (شما باید) حتمی کنندگان فرمانهای الهی، و (شما باید) درگاه های ایمان * و (شما باید) تبار پیامبران و زاده زبده رسولان * و خانواده (شخص) برگزیده پروردگار عالمیان * و از تقدیر اوست؛ که تنفیذ حتمی بخششهای پسندیده (الهی به همه هستی) به تصمیم شما و همراهی شماست * پس هیچ چیز از آن (بخششها) نیست مگر اینکه شما سبب (عنایت) آن بوده و نیز راه رسیدن به آن می باشید * و اختیار

او برای پیروان محض نعمت است * و انتقام او از دشمنان محض غضب (او)
 است * پس هیچ نجات و هیچ پناهگاهی (برای خلائق) نیست؛ جز شما * و
 هیچ راه گریزی از شما نیست * ای چشمهای نظارت کننده الهی (در زمین و
 آسمانش) * و (ای) حاملان معرفت او * و (ای) جایگاههای توحید او (= حق)
 در زمین و آسمانش * {سلام بر شما ای حجت های الهی و نگهداران ما * و
 راهنمایان و دعوت کنندگان ما (بسوی خدا) * و فرماندهان ما و پیشوایان ما
 * و سروران و صاحب اختیاران ما * سلام بر شما باد، شما یید نور ما * و
 شما یید جهت و وجهه ما هنگام نمازهایمان * و التجای ما هنگام دعا و نماز ما
 و روزه و استغفار و سایر عبادت‌هایمان} به شماست * و تویی ای مولای من، و
 ای حجت الهی، و (ای حقیقت) همیشه جاودان الهی! (تو) موجب کمال نعمت
 (دین) خداوندی، و (نیز) وارث پیامبران و جانشینان او (از دیر زمان) تا زمانی
 که ما بدان رسیده ایم * و (تویی) صاحب امر رجعت برای (تحقق) وعده
 پروردگارمان * که در آنست دولت حق و گشایش (امور) ما و شادمانی ما * و
 (در آنست) یاری الهی برای ما و عزّت ما * سلام بر تو ای پرچم افراشته * و
 دانش جاری و ریزان (الهی) * و (تویی) فریاد رس و رحمت بی پایان الهی *
 (تویی) وعده (راستین) غیر دروغین * سلام بر تو ای همراه دیدرس و صدارس
 الهی * آنکه پیمان‌هایش به نظر الهی است * و عهد‌هایش همه بدست الهی
 استوار شده است * و سلطنتش به قدرت الهی بر پاست * تویی آن فرزانه ای

که تعصّب او را به شتاب و انمی دارد * تویی آن بردباری که خشم او را به
 شتاب و انمی دارد * و آن کریمی که او را شدت مواظبت؛ به بخل و انمی دارد *
 و دانشمندی که تسلیم ناپذیری او را به نادانی نمی اندازد * جهاد و کوشش تو
 در باره الله؛ همان خواست الهی است * و کوبندگی و قاطعیت تو برای الله؛
 عین انتقام الهی است * و صبر تو برای الله؛ همان بردباری الهی می باشد * و
 شکرگذاریت برای الله، موجب افزونی نعمت و رحمت الهی است * سلام بر تو!
 ای حفاظت شده توسط الله * (ای که) الله روشن و نورانی نموده؛ پیش رویش
 را و پشت سرش را * و طرف راست و چپ او را * و جهت بالایی او و جهت
 پایینی او را * سلام بر تو ای ذخیره شده (ای نگهداری شده) در (خزینة) قدرت
 الهی * (ای که) الله گوش و چشم او را روشنی بخشیده است * سلام بر تو ای
 وعده الهی که او خود آنرا ضمانت فرموده است * سلام بر تو ای عهد الهی که
 او خود آنرا پیمان گرفته و محکم ساخته است * سلام بر تو ای دعوت کننده
 الهی و پرورش دهنده آیات او * سلام بر تو ای درگاه الهی و دین بان دین او *
 سلام بر تو ای جانشین الله و یاور حق او * سلام بر تو ای حجت الهی و نشانه
 اراده او * سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب الهی و شرح دهنده آن * سلام
 بر تو، در (تمامی) لحظه های شب و روز * سلام بر تو، در (تمام) لحظه های شب
 تو، و جزء جزء روزت * سلام بر تو ای (حقیقت) همیشه جاودان الهی در زمین
 او * سلام بر تو آنگاه که بیایم خیزی * سلام بر تو آنگاه که می نشینی * سلام

بر تو آن زمان که می خوانی و بیان می نمایی * سلام بر تو آن هنگام که نمازی
 گذاری و قنوت می خوانی * سلام بر تو آنگاه که رکوع و سجود می کنی * سلام
 بر تو آن زمان که تعویذ و تسبیح می نمایی * سلام بر تو آنگاه که تهلیل و
 تکبیر می نمایی * سلام بر تو آنگاه که حمد نموده و استغفار می کنی * سلام بر
 تو آنگاه که (خداوند را) تمجید و مدح می نمایی * سلام بر تو آنگاه که به شب
 وارد شده و آن هنگام که صبح می کنی * سلام بر تو در شب، وقتی که
 (تاریکیش) همه جا را فرا گیرد، و در روز وقتی روشنیش جلوه گر شود *
 سلام بر تو در (همه عوالم هستی) پایان (آن) و آغازش * سلام بر شما ای
 حجت های الهی و نگهداران ما * و راهنمایان و دعوت کنندگان ما (به سوی
 خدا) * و فرماندهان ما و پیشوایان ما * و سروران و صاحب اختیاران ما *
 سلام بر شما باد، شما هستید نور ما * و شما یید جهت و وجهه ما هنگام
 نمازهایمان * و التجای ما هنگام دعا و نماز ما و روزه و استغفار و سایر
 عبادت هایمان بشماست * سلام بر تو ای امای که؛ آمین شمرده شده * سلام بر
 تو ای امای که پیشوای مورد آرزوست * سلام بر تو سلامی فراگیر و همه
 جانبه * ای مولای من تو را گواه می گیرم * که همانا من شهادت می دهم؛
 معبودی جز الله نیست * تنها اوست تنها اوست تنها اوست، و برای او هیچ
 شریکی نیست * و شهادت می دهم که همانا محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنده او و فرستاده
 اوست * هیچ محبوی جز او و خانواده اش نیست * و ای مولای من! تو را گواه

می گیرم * که همانا علی علیه السلام فرمانده مؤمنان حجت اوست * و همانا حسن علیه السلام حجت اوست * و همانا حسین علیه السلام حجت اوست * و همانا علی بن علیه السلام الحسین حجت اوست * و همانا محمد بن علی علیه السلام حجت اوست * و همانا جعفر بن محمد علیه السلام حجت اوست * و همانا علی بن موسی علیه السلام حجت اوست * و همانا محمد بن علی علیه السلام حجت اوست * و همانا علی بن موسی علیه السلام حجت اوست * و همانا حسن علیه السلام بن علی علیه السلام حجت اوست * و همانا علی بن محمد علیه السلام حجت اوست * و همانا حسن علیه السلام بن علی علیه السلام حجت اوست * و شهادت می دهم که همانا تو حجت الهی هستی * (و شهادت می دهم که) پیامبران همانا، دعوت کنندگان و هدایت کنندگان به آرمان شما بودند * شما باید همان آغاز و انجام و پایان بخش (هستی) * و همانا که بازگشت شما حق است * هیچ شك و تردیدی در آن نیست * آن روزی که پذیرش کسی به او سود نمی رساند * اگر پیش از آن روز، نپذیرفته و ایمان نیاورده باشد * و یا با ایمانش خوبی بدست نیاورده باشد * و همانا که مرگ حتمی است * و شهادت می دهم که همانا منکر (ناکر) و نکیر (دو فرشته بازجوی در قبر) راست است * و (شهادت می دهم) که همانا نشر (دوباره زنده شدن) حقیقت دارد * و همانا برانگیخته شدن (در روز قیامت) حق است * و همانا صراط حتمی است * و همانا مرصاد (مرحله ای از صراط) راست است * و همانا میزان (برای سنجش اعمال و احوال و افکار) حقیقت دارد * و همانا محشور شدن (همه خلق در قیامت) و حسابرسی (آنها) حق است * و

همانا بهشت حقیقت دارد * و آتش (جهنم) راست است * و سزادهی به وسیله
 آندو برای تحقق مژده و تهدید الهی حقیقت دارد * (و مژده و تهدید به آنها حق
 است) * و همانا شما هستید که برای شفاعت شایسته اید * نه شما (در
 شفاعت) ردّ می شوید و نه کسی در آن بر شما سبقت می گیرد * و شما نیز
 برخواست الهی پیشی نمی گیرید * (بلکه) به خواست الهی و فرمان او عمل می
 کنید * و رحمت و کلمه برتر؛ از برای الله است * و در اختیار اوست
 نیکوترین (سرانجام) و سترگ ترین حجت الهی، برترین نعمت او * (خداوند)
 جنّ و انس را برای پرستش خود آفرید * و از بندگانش پرستش خود را
 خواسته است * پس (بعضی) شقاوتمند و (بعضی) سعادت مند می گردند * ای
 مولای من، هر آینه شقاوتمند است آنکه شما را نافرمانی کند و سعادت مند
 است آنکه شما را پیروی کند * و توای مولای من، گواهی ده به آنچه تو را بر
 آن شاهد گرفتم * این (گواهی) را نزد خودت برای من ذخیره و محافظت فرما *
 بر این (عقیده که عرضه شد) خواهم مرد، و دوباره زنده می شوم، و با همین
 عقیده می ایستم * که دوست هستم برای تو و بیزارم از دشمن تو * و
 خشمگین از هر که شما را نفرت دارد * و دوستدار آنکه شما را دوست دارد
 (آنکه شما دوست دارید) * پس گواه باش بر آنچه تو را بر آن شاهد گرفتم *
 و من دوست هستم برای تو و بیزارم از دشمن تو * پس حقّ؛ همان چیزی است
 که شما آن را خوش داشته اید * و باطل؛ همانست که شما آن را ناخوش داشته

اید * و پسندیده آنست که شما بدان فرموده اید * و ناپسند آنست که شما از
 آن باز داشته اید * حکمِ حتمی الهی آنست که خواست شما برگزیند * و
 (حکم) محو و ملغی شده آنست که روش شما آن را نگریده باشد * پس
 معبودی نیست جز الله * تنها اوست، تنها اوست، هیچ شریکی برای او نیست
 * و محمد ﷺ بنده او و فرستاده اوست * علی ﷺ امیر مؤمنان و حجت
 اوست * حسن ﷺ حجت اوست * حسین ﷺ حجت اوست * علی (سجاد) ﷺ
 حجت اوست * محمد (باقر) ﷺ حجت اوست * جعفر (صادق) ﷺ
 حجت اوست * موسی (کاظم) ﷺ حجت اوست * علی (رضا) ﷺ حجت
 اوست * محمد (جواد) ﷺ حجت اوست * علی (هادی) ﷺ حجت اوست *
 حسن (عسکری) ﷺ حجت اوست * و تو حجتِ اوی * و شما یید حجت‌ها و
 دلیلهای آشکار او * ای مولای من! شادمانم من به آن بیعتی که خداوند از من
 پیمان گرفته است؛ شرط آن را که جنگیدن در راه اوست * و بدان جانهای
 مؤمنان را خرید * پس جانم پیوسته مؤمن است به الله * که تنها اوست، و
 هیچ شریکی نیست برای او * و (نیز مؤمن است) به رسول الله ﷺ و
 امیر مؤمنان ﷺ * و به شما ای سروران من * و به توای مولای من * به اول
 شما و آخر شما * و یاری من تنها برای شما مهیاست (x) و یاری من مهیاست
 برای شما * و دوستی من خالصانه و تنها برای شماست * و بیزاری من از
 دشمنان شما (آنانکه اهل تندی و ستیزه اند) برای خونخواهی شما ثابت و

استوار است * من دوست شمايم که تنهاست * و الله که همان معبود حقيقي
 است؛ مرا (بر اين عقیده) آن چنان (= استوار) قرار دهد (x قرار داده باشد) *
 برآورده نما، برآورده نما * چه کسی را جز تو دارم (ای مولای من)؟ در حفظ
 آنچه که دين برگزيده ام و بخاطر آن به دامن تو چنگ زده ام * تا اينکه
 حراست نمای مرا در آنچه من بدان تقرب پیدا نموده ام بسوي تو * ای حمایت و
 پوشش الهی و برکت او * بی نیازم کن، به فریادم رس، به خودت نزديکم
 کن، یاریم ده، مرا دریاب * (ظ: بفریادم رس، مرا دریاب، یاریم ده، بی نیازم
 کن، به خودت نزديکم ساز) * مرا به خودت پیوند ده، و جدایم نساز *
 بارالها تنها به سوی توست؛ توسّل و تقرّب من بواسطه ایشان * بارالها توسّل و
 تقرّب من به سوی تو؛ تنها بواسطه ایشان است * بارالها بر محمد و آل او درود
 فرست * و مرا بدانها پیوند ده، و (از ایشان) جدایم نساز * بارالها قسم به
 سلام تو بر آل یاسين عليه السلام، که مرا بواسطه حجّت، پاك نگهداري * مولای من،
 تنها تویی وجهه من نزد خداوندی که پروردگار من و توست * و همانا اوست
 بسیار ستوده و بزرگوار * بارالها همانا از تومی خواهم به حقّ آن نام تو؛ که آنرا
 از همگی ات آفریدی * پس در (شأن) تو استقرار یافته و هرگز از تو به سوی
 هیچ چیزی صادر نمی شود * ای هستی مطلق، ای هستی بخش، ای نهفته * ای
 بلند مرتبه، ای منزّه * ای ترحم کننده، ای بسیار رحم کننده، ای شفقت کننده،
 ای عطاوت کننده * از تومی خواهم همچنانکه آن (نام خود) را خرم و

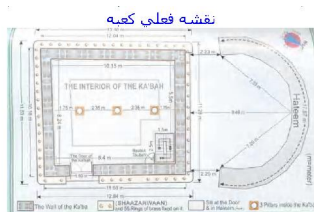
شاداب آفریدی * درود فرستی بر محمد پیامبر رحمت * و کلمه روشنی بخش
 * و پدر رهنمایان رحمت * و اینکه پر نمایی (x و پر نما) دل مرا از نور یقین
 * و سینه ام را از نور ایمان * و اندیشه ام را از نور استواری (بر حق) * و (پر
 نمایی) تصمیم را از نور توفیق * و هوشمندیم را از نور دانش * و توانایم را از
 نور عمل * و (پر نمایی) زبانم را از نور راستی * و دینم را از نور بصیرت‌های از
 جانب خودت * و چشم را از نور روشنی بخش * و (پر نمایی) گوشم را از نور
 دریافت حکمت * و دوستی ام را از نور محبت محمد و آل محمد علیهم‌السلام * و جان و
 یقینم را از نور شدت بیزاری از دشمنان محمد و دشمنان آل محمد * تا تورا
 ملاقات کنم در حالی که به عهد و میثاق تو وفا نموده باشم * پس (بدین سبب)
 رحمت تو مرا در برگردد (x مرا فرا گیرد) * ای صاحب اختیار و ای بسیار
 ستوده * دعای من در دیدرس تو و صدارس تومی باشد؛ ای حجت خدا * پس
 فراهم نما برای من موجبات اجابت دعای مرا * دست به دامن تومی شوم *
 شنوایی و رضایت من با توست با توست با توست؛ ای کریم * بارها درود
 فرست بر محمد (المهدی علیه‌السلام) حجت تو در زمینت * و جانشین تو در همه
 سرزمین‌های * و آن دعوت کننده به شاهراه تو * و قیام کننده بر اساس عدل
 تو * و برپاکننده انقلاب جهانی به امر تو * سرپرست مؤمنان * و نابود کننده
 کفران * و روشنی بخش تاریکی * و روشنگر حق * و آن گویای به حکمت
 و راستی * و اسم اعظم تو در زمینت * آن نگران بیمناک * و آن سرپرست

دلسوز * کشتی نجات * و نشان هدایت * و روشنی چشم همگان * و بهترین
 کسی که پیراهن پوشیده و ردا بر دوش گرفته است * و برطرف کننده جهل و
 نادانی * آنکه زمین را پر از عدل و داد می کند * همانگونه که از ظلم و ستم
 پر شده است * همانا تو بر هر چیزی توانایی * بارالها درود فرست بر ولیّ تو و
 فرزند اولیاء تو * همانانی که فرمانبریشان را لازم نموده ای * و (رعایت)
 حقّشان را واجب فرموده ای * و پلیدی را از ساحتشان زدوده ای * و آنان را
 بی نهایت پاکیزه قرار داده ای * بارالها او را یاری ده * و برای دینت بواسطه او
 یاری طلب * و دوستان خودت، و دوستان او، و شیعیان و یاورانش را به
 (برکت) او نصرت فرما * و ما را از آنان قرار ده * بارالها او را در پناه دار از
 شرّ هر تجاوزگر و سرکشی * و از شرّ همه آفریدگانت * و او را نگهداری نما
 از پیش روی او، و پشت سر او، و سمت راست او و سمت چپ او * و نگهبانی
 نما و مانع شو از اینکه به او هر گونه بدی برسد * و با (سلامتی) او، رسالت و
 آل رسول ﷺ را محافظت فرما * و عدل را بوسیله او آشکار نما * و او را به
 یاری (خود) پشتیبانی کن * و یاری نما یارانش را * و آنانکه او را تنها
 گذارند بی یاورشان نما * و بشکن کمر آنانی که قصد نابودیش را دارند * و
 زورگویان کفر را بوسیله او نابود فرما * و به واسطه او بکش کفار و
 منافقین را * و همه بی دینان را * هر جا که باشند؛ از شرق و غرب زمین * از
 خشکی و دریای آن * و به او زمین را پر از عدل فرما * و دین پیامبرت ﷺ را

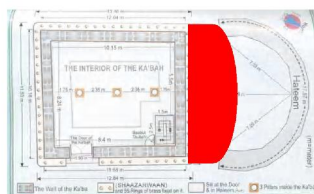
بدو آشکار نما* و بارالها مرا قرار ده از یاوران و کمک کاران او* و پیروان و شیعیان او* و به من نشان ده در شأن آل محمد ﷺ آنچه را آرزو دارند* و در باره دشمنان شان آنچه را بیم دارند* ای معبود شایسته، دعایم را اجابت نما* ای صاحب بزرگی و بخشش* ای رحم کننده ترین رحم کنندگان*

(۱) آنچه را در سرتاسر متن میان پرانتز همراه با این علامت (X) آورده ایم به معنای وجود اختلاف نسخه است، که بدین نحو نیز خوانده می شود، هر چند فقره بیرون پرانتز ترجیح دارد.

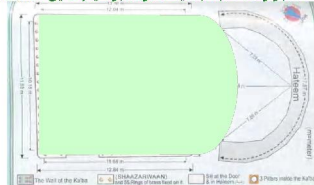
(۲) در نسخه های موجود؛ این فقره: (الْإِسْلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ ... تا ... وَ سَائِرِ أَعْمَالِنَا) در این موضع نیامده، بلکه در جای دیگر از صفحات بعدی



ناحیه قرمز رنگ : قسمت بیرون انداخته شده کعبه



قسمت سبز رنگ: کعبه بنای حضرت ابراهیم خلیل الله (علیه السلام)



آمده، ولی نظر به تناسب آن با موضع فعلی (نه فقرات پیش از این و نه فقرات پس از آن) و امکان احتمال سقط و تصحیف در نسخه ها، و بخاطر محافظت بر نسخه و امانت در نقل؛ ضمن اینکه این فقره را در اینجای (مناسب) یادآور شدیم، آنرا (بدون هیچگونه تغییری) در موضعی که در نسخ آمده نیز ذکر کردیم، بدیهی است که: تکرار (بدون اخلاص در معنی) حتی در تلاوت قرآن (چه برسد به ادعیه و زیارات) امری روا و پسندیده بوده بلکه سزاوار است.

احکام کلام توجه

سؤال: بهترین زمان برای زیارت آل یس در طول شبانه روز چه وقت است است؟

جواب: زیارت آل یاسین بر محور توجه است، و هر وقت توجه حاصل باشد مناسب است، همچنین اولویت دارد اوقات و اماکن مرتبط با حضرت صاحب الأمر (منه السلام و الیه التسليم) مانند ساعت آخر یا دوازدهم هر روز و شب، و شب و روز جمعه، و ایام و مناسبت‌های سالانه، و اماکنی چون کعبه و حریم‌های مقدسه و مساجد مبارکه سهله و کوفه، و می‌تواند وقت آن صبح بوده، و روزش را با آن آغاز کند، و عمده استفاده از نسخه کامله و انجام دوازده رکعت قبل از آن است. در برگزاری مجالس آل یاسین نیز هر وقت اجتماع بهتر میسر باشد، البته در میان عامه مردم؛ به تناسب مسجد سهله؛ در شب‌های چهارشنبه رواج دارد. [شماره ثبت: (۱۴۲۹) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: خواندن مثل زیارت آل یاسین و یا حدیث شریف کساء؛ به صورت دسته جمعی بیرون از حرم و داخل صحن به جای آوریم بهتر است؟ و یا به صورت انفرادی؛ داخل حرم هر که برای خودش؟

جواب: اینها مستحبات بدون محدودیت زمانی و مکانی است؛ و بر حسب تیسر بجای آورده می‌شود، و نباید با افزودن شرایط اضافی؛ آنها را پیچیده و محدود کرد. حرم اگر خلوت است؛ و ماندن (بیشتر از اعمال ضروریه) تضییقی برای سایر زوار نمی‌شود، می‌تواند بماند؛ و ادعیه و زیارات مستحبه دیگر را در آنجا تنهایی یا جمعی بخواند، بشرط اینکه در حضور معصوم علیه السلام صدا بلند نکنند، و در کناره‌های رواقها جمعی خوانده شود. [شماره ثبت: (۱۴۶۱) منبع: المسائل الإنترنتية]

احترام نام و ذکر و نشان حضرات وجه الله ﷺ

سؤال: هل يجوز شرعا تسمية الامام الحجة (عجل الله تعالى فرجه الشريف) بإسمه الشريف الخاص في محفل من الناس، أم أن الروايات المانعة من ذلك تعم زمان الغيبة الكبرى؟

جواب: لا تعم تلك النصوص لزماننا هذا، ويجوز ذلك لما ورد من الناحية المقدسة؛ الأمر بأدعية سمي فيها باسمه الشريف: محمد. [شماره ثبت: (٤٧٠) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: در جلد ٥٠ بحار الانوار صفحه ٢٤٠ روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام در خصوص حجت آل محمد عجل الله تعالى فرجه الشريف نقل شده: لا ترون شخصه ولا يحل لكم ذكره باسمه، سوال شد: فكيف نذكره؟ قال عليه السلام: قولوا الحجة من آل محمد، صلى الله عليه وعلىنا واهل بيته الطيبين. ١- آن نام که اجازه گفتن داده نشده چیست؟ ٢- اگر بدلیل عدم ندانستن؛ آن نام بر زبان بیاید؛ چه عملی ویا ذکرى گفته شود؟ ٣- وظیفه ما در قبال کسانی که نام امام را می برند چیست؟

جواب: ١- نام حضرت صاحب الامر کی بیشتر نیست = محمد، بقیه نامها القاب و اوصاف حضرتش می باشد. ٢- موضوع نبردن نام حضرت؛ همین اسم شریف "محمد" بوده است. ٣- حکم ممنوعیت بردن نام حضرت؛ موقت بوده؛ و محدود به دوره ای است که حضرتش توسط طواغیت زمان مورد تعقیب بوده اند، و نام بردن سبب گرفتاری شخص و نیز تشدید فشار بر حوزه ولایت می گردید. ٤- این ممنوعیت پس از دوره غیبت صغری وجود نداشته است. ٥- این رفع ممنوعیت توسط ناحیه مقدسه؛ با توصیه ادعیه متعددی که صریحا در آن نام حضرتش (محمد) برده شده؛ اعلام عموی گردیده است. ٦- از بزرگترین

توفیقات معنوی و عبادی؛ ذکر القاب و اوصاف و نامهای مبارکه حضرتش؛ بخصوص نام "محمد" (محمد بن الحسن المهدي القائم بامر الله) است، و هر که بدان موفق گردد؛ باید خدا را شکر نماید. ۷- هر که این نام حضرتش را با ادب می برد، باید تکریم و تقدیر شده و لبهایش را بوسید. [شماره ثبت: (۱۴۶۳) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: حکم شنیدن، مطالعه کردن نام مبارك حضرت قائم (عجل الله تعالى فرجه الشريف) را بیان فرمائید، و اگر در کتاب مکرر مطالعه شود و یا شنیده شود وظیفه چیست؟

جواب: در مقام ذکر موالی عظام عليه السلام باید متذکر حضرت ایشان شد، و قلباً توجه به ساحت قدسیه نمود، و انجام هر تحیت از ذکر لسانی و جوارحي و سجده (به شرایط آن) علامت توفیق و معرفت بنده مولاست. [شماره ثبت: (۱۴۵) منبع: المسائل القمية]

سؤال: آیا تغییر اسم افراد به اسامی مبارکه یکی از معصومین عليه السلام آداب خاصی دارد؟

جواب: با التفات به حرمت نام و نسبت حضرات عليه السلام و سعی در رعایت آنچه شایسته تشبه به ایشان بوده؛ و اینکه در هر حال وی در مرتبه بندگی آن سروران است؛ اقدام نماید. [شماره ثبت: (۶۶۳) منبع: المسائل الإصفهانية]

سؤال: نظر به اینکه احترام به اسماء مقدسه معصومین عليه السلام بر مؤمنین واجب و لازم است، آیا اسماء اشخاصی که تسمیه آنان تبرکاً به نام حضرات عليه السلام بوده؛ لازم الاحترام است؟ اعم از اسماء غیر مرکبه مثل محمد و علی، یا اسماء مرکبه مثل محمد علی؛ غلام علی؛ عبدالزهراء؛ غلام حسین؛ حسنقلی و...؟

جواب: هر چند مؤمنین فرزندان خویش را تیمناً و تبرّگاً به اسمی مبارکه تسمیه می نمایند، و قصد و انگیزه شان در تسمیه، تشبّه و تأسی به حضرات عليه السلام می باشد؛ ولی اسماء فرزندان ایشان تمامی احکام و لوازم اسمی مقدّسه (از قبیل رعایت طهارت و مانند آن) را ندارد، ولی خالی از احترام نیز نمی باشد؛ چه اینکه در مقام خطاب نباید به صورت موهون خطاب شوند، و نباید ملحق و مرادف به اوصاف و تعابیر دنیّه بشود، و فرقی بین مرکب و غیر آن نیست، اما نامهایی که مرکب از نام حضرات بوده، و در آنها نام ایشان به صورت اولی خودش باقی بوده؛ و شخص به ترکیبی و یا نسبی از آن نامهای مبارک منسوب است، حرمت این نامهای شریفه به صورت اولیه خود باقی است، ولی کسی که به نام حضرات نامیده می شود (محمد، علی...)، نام این شخص اگرچه به مانند ایشان است؛ اما این نام این شخص است، و صرفاً لفظاً و معناً مشابهت دارد، اما آنکه غلامعلی نامیده می شود، نام او غلام علی و معنی غلامی علی را دارد، و لفظ علی در این نام به صورت اصلی خود حفظ شده و مقصود حضرت علی عليه السلام است، فلذا از نظر احترام هم؛ آن بخش از ترکیب که نام حضرات است؛ به حکم نام ایشان است. [شماره ثبت: (۱۷۰) منبع: المسائل القمیه]

سؤال: برادرم ۶ روزی است صاحب فرزند پسری شده است، برای نامگذاری او به من گفت: طب نذر و خوائی که دیده ایم، نامش را یاسین انتخاب نموده ایم، بنده به اشان گفتم در کتاب شریف حلیة المتقین، از گذاشتن این نام نهی شده است، حال از شما خواهشمندم راهنمایی بفرمایید؛ آیا این نهی عمومی است و کل امت حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله را شامل می شود؟ و یا اینکه در شرایط خاصی منظور حضرت ایشان بوده است؟

جواب: ۱- نامهای خاص؛ که نهی شده است؛ با پیشوندهایی قابل استفاده است، مثل این مورد که می توانید بگذارید: نوریاسین، یا عبدیاسین. ۲- در برخی از بلاد اهل ایمان؛ مثل هند و پاکستان؛ این ادب را برای همه نامها و القاب حضرات علیهم السلام رعایت می کنند، ولذا غالبا نامهایشان دوجنشی است، عبد محمد، خدمت علی، خادم رسول، نور زهرا، بوی فاطمه، جلوه علی، ضیاء حسن، شعاع، عزت حسین، شوکت حسین، قدرت حسین، رفعت حسین، البته پیشوندها به انچه ذکر شد محدود نبوده، و دهها کلمه مناسب هست، در ایران هم نظیر این التزام با پیشوندهای محدودتری رایج بوده است، مثلا عبدعلی و غلامحسین و رضاقلی می گذاشته اند که (عبد و غلام و قلی) به یک معناست. ۳- البته در تناسب معنای کلی مجموع پیشوند و نام هم باید دقت کرد، که تناسب داشته و مجموع آن صحیح باشد، برخی موارد به علت بی اطلاعی افراد؛ صرفا از لیست پیشوندها و نامها انتخابی کرده و ترکیبی بکار می برند، که ممکن است مفهومش بالاتر از خود نام باشد، مثل ذات علی؛ ذات حسین، و این نکته قطعا در میان افراد فرهیخته ملاحظه و رعایت می شود. موفق باشید. [شماره ثبت: (۱۳۸۳)]
منبع: المسائل الإنترنتية

سؤال: تکلیف در مورد مسکوکات مزین به نام اهل بیت علیهم السلام چیست؟ و قرار دادن آنها در جیبهای پائین لباس چه حکمی دارد؟

جواب: اگر هتک حرمت نباشد مانعی ندارد. [شماره ثبت: (۱۷۲)] منبع: المسائل القمیه

سؤال: آیا اسماء متبرکه ای که انسان همراه خود دارد؛ (اعم از حرز یا انگشتر و غیره) هنگام داخل شدن در دستشویی می تواند همراه خود داشته باشد؟

جواب: در صورت حفظ از هتک و عدم اهانت آن اشکالی ندارد. [شماره ثبت: (۵۵۶)]
منبع: المسائل الإصفهانیة

سؤال: به دست کردن انگشتی که اسامی معصومین علیهم السلام بر روی رکاب آن حک شده و به صورت برجسته نیست از جهت تماس بدن به آن در غیر حال طهارت چه حکمی دارد؟ به همراه داشتن اینگونه انگشت هنگام رفتن به بیت الخلاء چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که تماس با بدن غیر طاهر نداشته باشد، و استعمال آن موجب هتك حرمت نباشد مانعی ندارد. [شماره ثبت: (۹۰۵) منبع: مخطوط]

سؤال: ما حکم رمي الجرائد والمجلات في مكان الاوساخ علما أنها تحتوي على أسماء الله وعلى الآيات القرآنية الکریمه؟

جواب: لا يجوز ذلك. [شماره ثبت: (۴۶۶) منبع: المسائل الغریبه]

سؤال: چنانچه مستحضری؛ بعضاً بر روی پوسته مواد خوراکی اسامی شریفه حضرات معصومین علیهم السلام بطور نسبت ذکر گردیده است، و در مسیر حرم مطهر و خیابانها زیر دست و پا دیده می شود. تکلیف، در صورت برخورد با این موارد چیست؟ آیا کم یا زیاد بودن موارد در تکلیف مؤثر است یا خیر؟

جواب: رعایت حرمت اسامی مبارکه لازم است، و هتك جایز نیست، و در صورت هتك از سوي دیگری؛ رفع هتك فقط به شخص خاطی محدود نبوده، و در صورت ترك و یا اهمال وی؛ دیگران باید که رفع هتك نمایند، مگر به نحوی باشد که مستلزم عسر و حرج باشد؛ که تکلیفی در رفع و منع مقدار معسور از آن را ندارند. [شماره ثبت: (۱۷۱) منبع: المسائل القمیه]

سؤال: پس از جمع آوری اسامی متبرکه، آن را باید چه کرد؟ آیا اگر این اوراق متبرکه مورد بازیافت قرار گیرد مورد اشکال است؟

جواب: دفن شود، یا در آب جاری بسیار، یا آب چاه پاک محو شود، و محو شدن شدن آن بوسیله دستگاه خمیر کننده کاغذ مانعی ندارد. [شماره ثبت: (۸۵۰) منبع: المسائل القمیه]

سؤال: آیا برای حضرت ابو الفضل و یا حضرت علی اکبر و یا اصحاب مانند سلمان می شود لقب "علیه السلام" به کار برد؟

جواب: خطاب سلام به همه مؤمنین جایز است، و بطریق اولی؛ کاربرد آن برای محترمین و مقدّسین و اولیای صغار و کبار علیهم السلام رواست. [شماره ثبت: (۸۵۱) منبع: المسائل القمیه]

سؤال: از قدیم الاّیام در بین شیعه مصائب حضرت امام حسین علیه السلام خواندن، جزء مذهب شمرده می شود و کتابهای زیاد نوشته شده، مثل: ریاض الشهادة، و روضة الذاکرین، و مخزن البکاء، ریاض القدس، و اسرار الشهادة در بندی، و حزن المؤمنین، و ماتم کده بیدل قزوینی، طوفان البکاء جوهری، ما از این کتابها ذکر مصائب می کنیم، مثل قصه عروسی حضرت قاسم، و وداع ام لیلا با علی اکبر، و رفتن جناب بی بی شهربانو به ری (طهران)، و قصه گذاشتن یک دختر بیمار به اسم فاطمه در مدینه، و نیز مرثی زبّان حال برای بکاء مؤمنین، آیا جواز دارد یا نه؟ بیان فرمائید.

جواب: اگر مطلب موهن به مقام اهل بیت علیهم السلام و مذهب حقّه در آن نباشد، نقل آن از گذشتگان یا مؤلفین آن مانعی ندارد، چه اینکه این تألیفات و نقلها از طریق مؤمنین بدست امروزیان رسیده، و تمام حقایق با جزئیات فاجعه کربلا در کتب مشهوره ذکر نشده است، لذا تا دلیل قاطعی بر بطلان آن نیست، جای حمل به صحت وجود دارد. [شماره ثبت: (۱۶۰) منبع: المسائل الخراسانیة]

سؤال: لطفاً بفرمایید: در مجالس سوگواری اهل بیت علیهم السلام بخصوص در ماههای محرم و صفر برای سید الشهداء علیه السلام بهترین برنامه ای که می تواند بدون کم یا زیاد شدن؛ مطالب سوگواری را مطرح کند، تا سوگواران بهره کافی را ببرند چیست؟

جواب:

۱- از کتابهای تدوین شده علما و اشعار ایشان و سایر ادبای ارادتمند آستان مقدس حسینی علیه السلام استفاده شود.

۲- در بیان وقایع عاشورا؛ (برای تجسیم بیشتر واقعه و توصیف بهتر آن) بکاربردن فنون ادبی (از استعارات و کنایات و تشبیهات) و پرورش ذهنی و تصویری در محدوده اصل وقایع اشکالی نداشته؛ و عنوان تحریف و جعل مطلب پیدا نمی کند.

۳- آنچه در کتب معروفه مقتل آمده بیشترش نقل از راویان و مورخان زمان یزید لعین بوده که طبیعی است همه چیز را نقل نکنند، بلکه بخاطر جو خفقان و اختناق همه چیز را نیز نمی دانسته اند تا نقل بکنند؛ افزون بر اینها؛ يك نفر در آن صحنه پر آشوب چقدر توانایی ثبت و درج حوادث را دارد؟ و اگر کسی به ثبت وقایعی در گوشه ای و صحنه ای از آن بیابان بلا موفق شده باشد؛ قطعاً مشاهده و ثبت بقیه وقایع و حوادث صحنه های دیگر از دایره آگاهی و توان ثبت او بیرون بوده است.

۴- روایات اهل حق نیز بر بیان ناچیزی از آن همه مصایب و فجایع صراحت و تأکید دارد؛ و گواه گویا بر وسعت و عظمت این فاجعه؛ کلام حضرت مولا صاحب الأمر علیه السلام می باشد که فرموده اند: لأبکینک صباحاً و مساءً؛ یعنی که

حضرتش دوازده قرن است که هر صبح و شام بر مصایب جدش حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام می‌گرید.

۵- اگر کسی در ذکر مصایب کربلا؛ تنها به آنچه مشترک و معروف میان همه کتب مقتل است اکتفا نماید؛ خود را از فضیلت ذکر بیشتر مصایب کربلا محروم نموده؛ و این شیوه موجب از دست دادن بخش بیشتری از آن همه وقایع و فجایع آنروز می‌گردد، چه اینکه هر راوی صحنه‌ای را بیان کرده؛ و برای نزدیک شدن به گزارش جامع؛ نیاز به گردآوری همه این روایات است؛ نه قدر مشترک آنها، بویژه آنکه به دلیل عظمت و وسعت فاجعه کربلا حتی پس از ملاحظه همه این روایات؛ گزارش این فاجعه باز هم ناقص مانده و کامل نخواهد شد. [شماره ثبت: (۱۳۶۰) منبع: المسائل الهمدانیة]

سؤال: برای عزاداری آقا ابا عبد الله الحسین علیه السلام هنگام سینه زدن در مجالس زنانه، اغلب خانمها به جای زدن دستهایشان به سینه، همین طور که نشسته‌اند به پایشان (رانها) می‌زنند، آیا این درست است؟ آیا بی ادبی نیست؟ و بعضی هم به سینه و هم به پایشان می‌زنند، آیا این اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد. هر دو حرکت مذکور؛ و نیز بر سر و یا صورت زدن، همگی واکنش طبیعی انسان در وقت تألم از مصیبت است، که بنا به شدت مصیبت از انسان صادر می‌شود، که در مصائب دنیوی بر پرهیز از آن سفارش شده، و در مصیبت حضرتش؛ نه تنها منع نشده؛ بلکه توصیه نیز گردیده است. [شماره ثبت: (۱۴۴۸) منبع: المسائل الإنترنتیة]

سؤال: ما يقول سماحتكم في الصور المرسومة أو التشبيهات للائمة عليهم السلام ورسم ما يخیل عنهم من ملامحهم وأوصافهم عليهم السلام فهل يجوز تعليقها في المنزل وما الحكم في الاعتقاد بها أنهم هم؟

جواب: إذا لم تكن أوصافها مخالفة لما ورد في شمائلهم؛ بل توافق اجمالاً، وكان عمل التشبيه أو التصوير أو الرسم بمستوى مقبول؛ لا يستلزم منه هتكهم ﷺ، فلا بأس به؛ من عملها أو تعليقها، وتكون من المحترقات كالنقوش والكتابات المشتملة على أسمائهم. [شماره ثبت: (٤٧٨) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: خوابیدن در اتاقی که قرآن یا تمثال مبارک حضرات معصومین ﷺ یا کتب حدیث و تفسیر وجود دارد چه حکمی دارد؟

جواب: در صورت عدم هتك حرمت آن مانعی ندارد. [شماره ثبت: (١٤٣) منبع: المسائل القمية]

سؤال: هل يجوز عمل وإخراج فيلم تاريخي عن النبي ﷺ وعن الأئمة ﷺ وما الحكم بالنسبة لآظهارهم في الممثلين؟ وهل لاي ممثل أن يمثل دورهم؟ أم ينبغي أن يكون مؤمناً؟ وما الحكم في إظهار الطاهرين غير المعصومين؛ كالعباس وسلمان وأبوطالب ﷺ وغيرهم؟ وما الحكم في إظهار الانبياء السابقين كذلك؟

جواب: المناط في الجميع واحد والحكم سوي، فلا بأس بتصوير التاريخ الصحيح؛ إذا لم يكن العمل هتكاً؛ ولا مؤدياً يوماً إلى هتك الدين وأوليائه ﷺ، فإذا كان هذا الشرط مضموناً فإنه يجوز. [شماره ثبت: (٤٧٧) منبع: المسائل الغروية]

سؤال: درباره پرده های نقاشی وقایع کربلا یا غزوات حضرات ﷺ؛ می بینیم تصاویری مخلوط و کنار هم وجود دارد که ربطی به يك واقعه ندارد، یا در برخی از آنها؛ تصاویری هست مثل شخصی با لباس سربازان انگلیسی قرن گذشته، می خواستم ببینم مطلب از چه قرار است؟ آیا بخاطر تحریف یا اشتباه است؟ یا دلیل دیگری دارد؟ آیا عدم صحت این نقاشیها سبب سستی عقیده مردم به حضرات ﷺ نمی شود؟

جواب:

۱- وظیفه دینی هر مؤمن و بایسته عقلی هر فرهیخته؛ حفظ یاد و پیام آن وقایع در میان مردم است.

۲- توصیف وقایع ذکر شده برای مردم؛ اولین قدم ضروری این امر است.

۳- هر چه این توصیف عمیقتر و وسیعتر و محسوستر باشد؛ توجه و تاثیر یادگیری از آن بیشتر خواهد بود.

۴- اهمیت این امر سبب مشارکت متخصصان و اهل رشته ها و مهارتها و هنرهای مختلف در این برنامه می گردد: عالم دینی: با بیان روایت جامع و تبیین نکات آن جهت معرفت بیشتر و وسیعتر و عمیقتر اهل ایمان. و منبری و استاد مؤمن دانشگاه: با شرح و توصیف و تحلیل آن در جهت اثبات و تحکیم عقیده مردم. روضه خوان و مداح و شاعر و ادیب و خواننده (با نواهای حزین): جهت محسوس کردن بیشتر ابعاد وقایع و توصیف آن در عمق احساسات و عواطف مردم.

۵- تا اینجا در بُعد شنیداری و سمعی فعالیت داشته، اما ایفای این رسالت و امر مهم در جهت سمعی و شنیداری محدود نشده؛ و با حضور تصویر و نقاشی و فیلم؛ به بُعد بصری و دیداری نیز می رسد، چه اینکه این روش؛ سبب بیشتر محسوس شدن وقایع؛ و نیز بهتر نقش بستن آنها در ذهن مخاطب؛ و ماندگارتر شدن آنها در یاد و خاطره ایشان است.

۶- و اینجاست که نقش نقاشان و رَسَّامان و طراحان و فیلمسازان و ایفا کنندگان نقشها و تعزیه خوانها و نقالان معلوم می گردد، و با توجه به اینکه صنعت فیلم تاریخچه کوتاه و نوری دارد؛ فلذا این پرده های نقاشی وقایع دینی

بوده اند که در طول قرنهای بسیار؛ در جهت ارتقای معرفت و بینش عمومی نقش ایفاد داشته اند. البته برخلاف پرده های نقاشی که در جهت انجام وظیفه همراه با رعایت امانت در نقل وقایع غالباً موفق بوده اند؛ متأسفانه صنعت فیلم و سریال امروزه (ولو به اسم دین) غالباً در جهت تحریف و تضعیف دین و وقایع دینی و سست کردن عقاید دینی مردم بکار گرفته شده است، و لذا می بینیم که به اسم وقایع کربلا چگونه افکار غریزه و شیوه ها و الگوهای تئاتر غربی را وارد کرده؛ و وقایع را دگرگون و محرف نموده اند، و یا با طرح محرف وقایع در قالب ذهنی فاسد طراحان و عاملان فیلم مثل: همه وقایع را مربوط به خواهشهای جنسی و عشق غربی کردن، و یا آمیختن آنها با عقاید منحرف طایفه گری عجم و عرب، و یا ضعیف اجرا کردن نقشهای مثبت واقعه و قوی اجرا کردن نقشهای منفی، و پراکندن عقاید ملحدان و منکران دین؛ در لابلای دیالوگهای فیلم (در حالیکه در وقایع اصلی مطرح نبوده و گفته نشده است)، و در حقیقت به اسم رسالت دینی؛ ماموریت تاریخی حزب شیطان (از کفار و مشرکان و ملحدان و امویان و منافقان) را ایفاد کرده و خیالات فاسده آنها را میان اهل ایمان پخش کرده اند.

۷- نکته مهمی که باید در مطالعه نقاشیهای روضه و مقتل خوانی توجه شود اینکه: (برای سهولت نگهداری و حمل و نقل این نقاشیها؛ و نیز بزرگ بودن تابلو و توجه بیشتر مخاطب) در یک تابلو چندین واقعه را کنار هم می کشیده اند، و در حقیقت آنها را با فشردگی در یک تابلو جایی داده اند؛ و این نقال و تعزیه خوان بوده؛ که وقایع را در کتابهای مقتل و روضه خوانده یا شنیده؛ و هر یک را به ترتیب تاریخی خود مطرح کرده و توصیف می نموده است، اما امروزه برای کسی که سواد این رشته را ندارد؛ و همینطوری تابلو را نگاه کرده و تفسیر

می کند، نتیجه اش این می شود که: یا آنها را نامربوط تصور کرده؛ یا به نقد و تحلیل بی ربطی مبتلا می شود.

۸- داستان حضور رومی یا به تعبیر متأخر فرنگی؛ در نقاشیها و اقوال و اشعار تعزیه و نقالان؛ اساس درستی دارد؛ و مستند اصلیش معتبر است، در منابع تاریخی ثبت شده که شخصی رومی نصرانی؛ اهل روم شرقی (بیزانس)؛ غلام معاویه ملعون و منشی مخصوص او و متولی امور خصوصی وی بوده است، در زمان یزید لعین هم این نزدیکی افزایش یافته، و ندیم مجلس شراب او هم بوده، بلکه همواره در مجالس یزید خبیث حاضر؛ و مثل یک مشاور به او نزدیک بوده است. نام وی "سِرْجُون" بوده و در نقلها به نام "سِرْجُون نصرانی یا رومی" ذکر شده است. این عنصر رومی در پشت صحنه وقایع کربلا هم نقش قابل توجهی داشته از جمله: در موضوع کنترل اوضاع کوفه بعد از پیوستن مردم به مسلم بن عقیل؛ گفته شده: این سرجون بوده که به یزید توصیه کرده است تا ابن زیاد لعین را والی کوفه نماید، در واقعه اسارت اهل بیت حسینی علیه السلام به شام و مجلس یزید ملعون هم این سِرْجُون حاضر بوده، و مطالب و سخنانی نیز از او نقل شده است. از این رو طبیعی است که در متون ثبت وقایع مربوط به نهضت حسینی علیه السلام؛ و نیز اشعار و تعزیه نامه ها و نقاشی ها و پرده های دینی نیز حضور سِرْجُون در برخی صحنه ها منعکس شده باشد.

۹- البته عجیب نیست که برخی از نقاشان از نحوه لباس رومیان ۱۴۰۰ سال قبل بی اطلاع بوده باشند، ولذا لباس سِرْجُون را به شکل غربیهای زمان خود نقاش (قرون متأخر مثل انگلیسیها) کشیده باشند، و این امر سبب شده تا در السنه برخی نقالان و یا بعضی نقلهای بعدی (خصوصا اگر نقال یا شاعر اصل تاریخ را نداند؛ و از روی نقاشی بخواهد توصیف کند) بجای نام بردن از سِرْجُون رومی یا

نصرانی بگوید "مرد فرنگی"، اما در هر صورت؛ این مسامحه در تعبیر؛ اشکالی در صحت محتوای نقش وارد نمی‌کند، تا کسی بخواهد کل این اثر یا اصل واقعه را زیر سؤال ببرد. و پر واضح است که در هر صنف از عالم و کاتب و خطیب و هنرمند و نقاش و مداح؛ سطوح مختلف دانش و مهارت و توانایی وجود دارد؛ و محصول کار همه یکسان نمی‌باشد، در دریای بیکران خادمان حسینی علیه السلام نیز افراد از این نظر متفاوتند، اما این امر سبب وهن و بی‌ارزشی کار افراد غیر زبردست نمی‌گردد، و هر خدمتی که در چهارچوب معارف اصیل عاشورای حسینی علیه السلام خالصانه (و فارغ از بهره برداریهای باندهای سیاسی یا تحریفات الحادّی غربی) ارائه شود؛ مقبول، و سعیشان مشکور است. فلذا تنها این سخنان برترین خطبا؛ یا نوای هنرمندترین مداحان؛ یا اثر بهترین نقاشان نیست که در تعلیم و نشر معارف حسینی علیه السلام تأثیر داشته، بلکه کار خالصانه سطوح دیگر نیز به سهم خود مفید و مؤثر بوده؛ و مخاطبان فرهیخته این آثار غالباً به معنا و پیام آنها متوجه و مشغول شده؛ نه اینکه در جزئیات فنی لفظ و یا نوا و یا نقش درمانده شوند.

۱۰- هر چند ممکن است؛ دلیل این نوع نقاشی؛ بی‌اطلاعی از لباس قدیم رومیان نبوده؛ بلکه نقاش زیرک به عمد؛ و از روی قصد تطبیق وقایع گذشته بر مسائل زمان معاصر؛ خواسته تا پیامی به بیننده منتقل کند؛ و آنها را به مثال این زمان خودشان توجه داده، و بگوید تاریخ تکرار می‌شود، و حاکمان جائر کشورهای اسلامی که یزید زمانه هستند، تحت نفوذ و مدیریت فکری نصاری و رومیان زمان خود و استعمار انگلیس و یا رؤسای دول فرنگی هستند. و فقنا الله وسائر المؤمنین والمؤمنات لحق معرفة مولانا الحسین علیه السلام و عزائه و زیارته و خدمته، آمین رب العالمین. [شماره ثبت: (۱۴۸۲) منبع: المسائل الإنترنتیة]

سؤال: آیا خانمها می توانند اسماء متبرکه را در دوران عادات ماهانه گلدوزی کنند؟

جواب: اگر مستلزم هتك حرمت و یا تماس جایی از بدن حیض نباشد؛ اشکالی ندارد. هر چند بهتر است که کلا تا تحصیل طهارت اجتناب کنند. [شماره ثبت: (۷۸۲) منبع: المسائل الهمدانیة]

حجامت در ایام و احوال مبارکه

۱- این مجموعه پرسش و پاسخها؛ اگرچه هر کدام مستقل بوده، و موضوع اصلی آنها به مبحث حجامت مربوط بوده، و ظاهراً به این فصل ارتباطی ندارد، اما از آنجا که در ملاحظه مجموع سؤالات نتیجه ای بدست می آید؛ که به این فصل مرتبط می گردد، فلذا آنها را در پایان این فصل نقل می نمایم. ۲- برای توجه به نتیجه نیز ضمن تأمل مستقل در هر يك از سؤالات؛ باید مجموع آنها نیز ملاحظه شود. ۳- خلاصه نتیجه مجموع آنها این است که: "حکم جواز بلکه استحباب حجامت بخاطر انجام آن در ایام و احوال مبارکه ملغاً نمی گردد".

سؤال: آیا حجامت که سبب زخمی شدن بدن و ریختن خون می گردد؛ کار صحیحی است؟

جواب: حجامت کار بسیار مفیدی است و حکمای طب کهن و اسلامی و حتی قبل از اسلام برای آن خواص بسیاری ذکر کرده و کتابهای متعددی نوشته اند، در تعالیم اسلام و فرمایشات حضرت رسول الله ﷺ و سایر معصومین علیهم السلام نیز بر آن بسیار تأکید شده است، و در تجربه ملیونها نفر در طول قرنهای خواص درمانی آن نیز بطور پیوسته تجربه و به ثبت رسیده است، بلکه اطبای جدید هم در این موضوع تحقیق بسیار کرده؛ و صحت این عمل و فواید آنرا تایید و تأکید

نموده و مقالات و کتابهای متعددی نیز نوشته اند. [شماره ثبت: (۱۴۸۳) منبع: المسائل
الإنترنتية]

سؤال: آیا بهتر نیست که بجای حمام؛ خون اهداء شود؟

جواب: خواص حمامت که در نواحی خاصی انجام می شود؛ با اهداء خون بدست نیامده؛ و در اهدای خون فواید اعجاز آمیز حمامت وجود ندارد، بجز این؛ اهداء خون برای همه میسر نبوده، و تنها افراد خاصی؛ در شرایط جسمی خاصی؛ می تواند بدان اقدام نمایند، در حالیکه حمامت برای همه افراد از کودک تا کهنسال میسر بوده؛ و در هر شرایطی از جمله ضعف و بیماری نیز قابل اجرا؛ بلکه سبب درمان است. [شماره ثبت: (۱۴۸۴) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: آیا فقط حمامت در کتف ها و شانه ها انجام می شود؟

جواب: انجام حمامت منحصر به کتفها و شانه ها نبوده، و مواضع بسیاری محل حمامت می باشد. [شماره ثبت: (۱۴۸۵) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: انجام حمامت در سر چه صورتی دارد؟

جواب: حمامت در سر هم از انواع حمامت است، و فوائد بسیاری دارد، که در کتب طب قدیم و جدید مسطور است. [شماره ثبت: (۱۴۸۶) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: آیا انجام حمامت در کتفها و یا سر؛ محدود به انجام آن در خفاء است؟ یا به صورت علنی و آشکار هم صحیح است؟

جواب: انجام حمامت در کتفها و یا سر؛ محدود به صورت مخفی (مثل در اتاق عمل اختصاصی بزشک) نبوده، و انجام آن در اماکن مکشوف و به صورت آشکار نیز مانعی ندارد، فقط باید از نظر مراقبتهای بهداشتی رعایتهای لازمه بشود. [شماره ثبت: (۱۴۸۷) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: آیا در انجام حجامت شرط است که زمان خاصی انجام نشود؟ یا در زمان خاصی انجام بشود؟

جواب: در انجام عمل حجامت شرط زمانی وجود ندارد، اما با توجه به جوشش بیشتر خون در لیالی و ایام بدر (۱۳ و ۱۴ و ۱۵) توصیه به عدم انجام حجامت شده، ولذا از ۱۶ و ۱۷ ماه مراکز حجامت بسیار فعال بوده، و شلوغتر از مواقع دیگر است. و در صورت انجام در این سه روز؛ احتیاطات لازم طبي بابد تدارك شود. [شماره ثبت: (۱۴۸۸) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: آیا در روز عاشورا یا شب نوزدهم ماه مبارك رمضان یا دیگر ایام مصائب معصومین علیهم السلام؛ عمل حجامت جایز است؟

جواب: انجام حجامت در اوقات مذکوره؛ منع طبي یا شرعي نداشته، بلکه با توجه به توفیقات احوال و اعمال مذکوره؛ داراي ثواب و اجر تذکر مصایب نیز می باشد. [شماره ثبت: (۱۴۸۹) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: اگر شخصی که معتقد به امام علي و امام حسين علیهم السلام است؛ در وقت حجامت یا حین حجامت یا بعد حجامت؛ متذکر زخمها و جراحتها و ضربتهایی که بر ابدان مبارکه ایشان وارد شده؛ بگردد؛ و حالش منقلب شود و گریه کند؛ یا نام حضرات را ببرد؛ آیا حجامت و یا این تذکر جایز است؟

جواب: تذکر مصائب حضرات معصومین علیهم السلام و انقلاب حال و بکاء و شیون و ضجه و نام ایشان بردن در وقت حجامت یا در حین آن یا بعد آن؛ اشکالی ندارد، و حجامت هم با این احوال و اذکار اشکال پیدا نمی کند؛ بلکه سبب می شود تا عمل طبي او؛ افزون بر آثار سلامتی؛ ابعاد معنوي و عبادي نیز پیدا کرده؛ و توفیق عزاداري همراه با حال مواسات در مصایب ایشان نیز نصیب وی گردد. [شماره ثبت: (۱۴۹۰) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: آیا در صحت و جواز عمل حجامت و نتیجه طبي بردن از آن؛ نیت و قصد حجامت و داشتن هدف طبابت شرط است؟

جواب: در صحت و جواز عمل حجامت و نتیجه طبي بردن از آن؛ نیت و قصد حجامت و داشتن هدف طبابت شرط نبوده، و کافي است که در مواضع حجامت عمل حجامت (خراش سطحي و بیرون آمدن خون به قدر لازم) انجام شود. [شماره ثبت: (۱۴۹۱) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: اگر بدون نیت حجامت و یا هدف طبي؛ یا به قصد دیگری عمل حجامت از او سرزند؟ آیا خاصیت طبي دارد؟ آیا این عمل جایز و صحیح است؟

جواب: نیت و یا هدف طبي در جواز و صحت عمل حجامت و داشتن خاصیت آن شرط نبوده؛ مهم نفس عمل حجامت در مواضع حجامت است، یعنی کافي است خراش سطحي در مواضع حجامت و بیرون آمدن خون به قدر لازم اتفاق بیافتد؛ و نیت کردن یا اسم حجامت بردن لازم ندارد. فلذا اگر بدون نیت و یا هدف نیت؛ و یا به قصد یا عنوان دیگری؛ اگر این نحوه عمل شبیه حجامت (ولو به اسم دیگری باشد) از او سر بزند یا برای او انجام شود، این عمل جایز و صحیح بوده، و خاصیت طبي هم دارد. [شماره ثبت: (۱۴۹۲) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: آیا شخصی که معتقد به امام علي و امام حسين عليه السلام است؛ در عزاداري ایشان متذکر زخمها و جراحتها و ضربتهاي که بر ابدان مبارکه ایشان وارد شده بگردد؛ و حالش منقلب شود و گریه کند و نام حضرات را ببرد؛ بدون نیت و هدف حجامت؛ بلکه از روی مواسات با اهل بیت عليهم السلام؛ در مواضع حجامت عملي انجام دهد که شبیه حجامت است؟ آیا این عمل جایز و صحیح است؟ آیا خاصیت طبي دارد؟

جواب: شخصی که معتقد به امام علي و امام حسين عليه السلام است؛ اگر در عزاداري ايشان متذکر زخمها و جراحتها و ضربتهايي که بر ابدان مبارکه ايشان وارد شده بگردد؛ و حالش منقلب شود و گريه کند و نام حضرات را ببرد؛ و بدون نيت و هدف حجامت؛ بلکه از روي تاثر و يا مواسات با اهل بيت عليهم السلام؛ در مواضع حجامت عملي انجام دهد که شبیه حجامت است، اين عمل جايز و صحيح است، و افزون بر اثر معنوي و اجر اخروي؛ خاصيت طبي نيز دارد. [شماره ثبت: (۱۴۹۳) منبع: المسائل الإنترنتية]

سؤال: افرادي مسلمان يا کافر؛ بخاطر بيسوايي يا غريزدگي و فريفتگي طب تجاري؛ ضمن انکار صحت و جواز عمل حجامت يا شبیه آن (که خاصيت حجامت دارد) اقدام به استهزاء و يا مخالفت و جوسازي و اتهام عليه افراد فرهيخته و مؤمن ملتزم به حجامت و شبیه حجامت مي نمايند، آيا رويکرد افراد منکر؛ در صحت و جواز عمل حجامت و شبیه حجامت شرط است؟ آيا بايد به آن توجه شده؟ و کلا در انجام يا عدم حجامت و شبه حجامت؛ چگونگي رويکرد ديگر افراد؛ دخالتي دارد؟

جواب: جواز و صحت انجام عمل صحيح حجامت و شبه حجامت (که خاصيت حجامت دارد) که مباني عقلي و علمي و ديني و تجريبي محکم و مفصلي دارد؛ مشروط به باور يا موافقت و يا خوشامد ديگران نمي باشد، و جهالت و انکار و مخالفت و استهزاء و جوسازي و اتهام زني آنها نبايد در عزم افراد فرهيخته و مؤمن؛ براي التزام يا استمرار به حجامت و شبیه حجامت؛ خلي ايجاد نمايد، و ضمن ادامه و التزام؛ با سعه صدر و بيان علمي؛ رفع جهالت منکران نموده، و به آنها آکاهي ببخشد. [شماره ثبت: (۱۴۹۴) منبع: المسائل الإنترنتية]

پژوهشگرده ها و آموزشگرده های بنیاد حیات اعلی

علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی

علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی

علوم تقویم نجوم تبخیم - علوم طب جامع - علوم پاکزیتی

آموزش برتر (اعلی) - علوم برتر (اعلی) - علوم توانمندی بانسروی الهی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسی - رسانه های حیات اعلی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دارالمعارف الإلهیة

تحقیق ۱۴۰۵ نشر اول ۱۴۱۵ نشر دوم ۱۴۲۵ نشر سوم ۱۴۳۵

نسخه: ذی حجه ۱۴۳۵

www.Aelaa.net

Aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمین